

# مردی بادل شیر

بررسی سوابق حرفه‌ای سیدانشین قطبی

سید شاهو احمدی

عضو باشگاه پژوهشگران جوان مرکز علوم و تحقیقات تهران  
خبرنگار سابق ایسنا

فروردین ماه ۱۳۹۰

احمدی، سید شاهو، ۱۳۶۰، گردآورنده

مردی با دل شیر: بررسی سوابق حرفه‌ای سید افشین قطبی / مؤلف شاهو احمدی.

سنندج: سید شاهو احمدی، ۱۳۹۰.

ی، ۱۴۴ص: مصور، جدول.

ISBN 978-964-06-1371-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

فارسی - انگلیسی.

کتابنامه: ص. ۱۳۱.

بررسی سوابق حرفه‌ای سید افشین قطبی.

قطبی، سید افشین، ۱۳۴۲ -

فوتبالیست‌ها -- ایران -- سرگذشتنامه

۱۳۹۰ ق ۶ الف ۳ / ۷ / ۹۴۲ GV

۷۹۶ / ۳۳۴۰۹۲۵۵

کتابخانه ملی ایران ۴۶۵۳۹۲۲

**نام کتاب:** مردی با دل شیر

**ناشر:** مؤلف

**مؤلف:** سید شاهو احمدی

**شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۰۶-۱۳۷۱-۹

**حروفچینی:** فواد شکوریانی

**طرح جلد:** شهرام شکوریانی، سید شاهو احمدی

**تیراژ:** ۵۰۰۰ جلد

**لیتوگرافی و چاپ:** شرکت چاپ معلم سنندج

**قیمت:** ۴۵۰۰ تومان

**نوبت و تاریخ انتشار:** اول، تابستان ۱۳۹۰

آیامی دانید که در آخرین رده بندی فیفا، فوتبال ایران ۲۱ پله صعود کرده و این

صعود در زمان سرگیری افشین قطبی روی داده است؟!؟

جهت کسب اطلاعات، بیشتر به سایت خبرگزاری انتخاب مورخ ۸۹/۱۱/۱۳

مراجعه فرمایید؛ [www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir)

پرسپولیس باشگاه من است و در قلمم جا دارد؛ افشین قطبی

فوتبال ایران خیلی پررنگ هست، خیلی پر عشق است، بهترین فوتبالیستهای

آسیا در ایران هستند و عاشق ترین هواداران دنیا در ایران هستند؛ افشین قطبی

## با سپاسگزاری از:

— مسؤول محترم انجمن مهندسين غرب ايران، جناب آقای دکتر رحمن غریبی

که در تمام مراحل نگارش این اثر، مشوق و یاریگرم بوده‌اند

— آقایان شهرام و فؤاد شکوریانی که مسؤولیت طراحی جلد و حروفچینی

کتاب را بر عهده گرفتند

— پرسپولسی‌های دو آتیشه؛ آقایان دکتر حمیدرضا عیسایی، شاهین احمدی،

فراز یارعلی، امیر جمشیدنژاد، مسلم خان بختیاری، حجت ا.. دامن‌افشان و

شهرام شیخ‌احمدی که در اصلاح برخی اشکالات مرا مساعدت نمودند

# تقدیم بہ ارتش سرخ پرسپولیس

«پرسپولیس با بیش از ۳۰ میلیون هوادار در ایران، افغانستان و امارات به

عنوان محبوبترین تیم آسیا شناخته می شود.»

عادل فردوسی پور - مجله‌ی World Soccer

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	فصل اول: تولد، کودکی و نوجوانی
۵	۱-۱- تاریخ و محل تولد
۷	۱-۲- والدین افشین
۸	۱-۳- کودکی افشین
۱۰	۱-۴- نوجوانی افشین
۱۷	فصل دوم: تحصیل در دانشگاه UCLA و تأسیس مدرسه ی فوتبال
۱۹	۲-۱- تحصیل و ورزش در دانشگاه
۲۱	۲-۲- بعد از فارغ التحصیلی
۲۲	۲-۳- تأسیس مدرسه ی فوتبال افشین قطبی
۲۹	فصل سوم: حضور در تیم ملی فوتبال آمریکا و کره ی جنوبی
۳۱	۳-۱- حضور در تیم ملی فوتبال آمریکا به عنوان کمک مربی
۳۲	۳-۲- پیروزی تاریخی تیم فوتبال ایران بر تیم آمریکا
۳۵	۳-۳- دعوت به تیم ملی فوتبال کره ی جنوبی

- ۴۰ ۳-۴- تیم کره‌ی جنوبی با گاس هیدینک و افشین قطبی تا شگفتی ۲۰۰۲
- ۴۲ ۳-۵- افشین و رد پیشنهاد تیم آینه‌هون هلند
- ۴۴ ۳-۶- حضور مجدد افشین در تیم ملی کره‌ی جنوبی
- ۴۷ ۳-۷- جام ملت‌های آسیای ۲۰۰۷ و رویارویی ایران و کره‌ی جنوبی
- ۵۰ ۳-۸- بی‌مهری برانکو ایوانکوویچ به افشین قطبی
- ۵۱ **فصل چهارم: حضور رؤیایی در پرسپولیس**
- ۵۳ ۴-۱- ورود به پرسپولیس
- ۵۵ ۴-۲- موفقیت در پرسپولیس
- ۵۷ ۴-۳- امپراتور در برابر نیمکت‌های سرخ
- ۶۰ ۴-۴- رفتن از پرسپولیس
- ۶۳ **فصل پنجم: حضور در تیم ملی فوتبال ایران**
- ۶۵ ۵-۱- انگیزه‌ی حضور در فوتبال ایران و تیم ملی
- ۶۶ ۵-۲- دعوت به تیم ملی فوتبال ایران
- ۶۹ ۵-۳- آماده‌سازی تیم ایران برای جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱
- ۷۱ ۵-۴- پیروزی‌های پی در پی شیران پارسی

۷۵	<b>فصل ششم: جایگاه افشین قطبی در جهان فوتبال</b>
۷۷	۱-۶- مروری اجمالی بر بازیگری و مربیگری
۸۰	۲-۶- استفاده از مدلسازی و آنالیز آماری در فوتبال
۸۲	۳-۶- نگاه افشین قطبی به طبقه بندی مربیان
۸۴	۴-۶- درس مربی معلمی (Teacher Coach) قطبی به گاس هیدینک
۸۵	۵-۶- دعوت به کادر فنی تیم ملی آلمان
۸۶	۶-۶- پیوستن به باشگاه شیمیزو اس پالس ژاپن
۸۷	۷-۶- خلاصه‌ی سوابق کاری افشین قطبی
۹۱	<b>فصل هفتم: همسر افشین قطبی</b>
۹۳	۱-۷- درباره‌ی همسر افشین قطبی
۹۵	۲-۷- نقاشیهای یوروم بیک من
۱۰۳	<b>فصل هشتم: شخصیت منحصر به فرد افشین قطبی</b>
۱۰۵	۱-۸- انگیزه‌ی نگارش این کتاب
۱۰۶	۲-۸- نظر هواداران
۱۱۲	۳-۸- تأسیس بنیاد خیریه‌ی دل شیر



۱۱۳	فصل نهم: پرسپولیس و نیم قرن افتخار
۱۱۵	۹-۱- معرفی اجمالی پرسپولیس
۱۱۶	۹-۲- پرسپولیس در دهه ی ۱۳۴۰
۱۱۸	۹-۳- پرسپولیس در دهه ی ۱۳۵۰
۱۱۹	۹-۴- پرسپولیس در دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰
۱۲۰	۹-۵- پرسپولیس در دهه ی ۱۳۸۰
۱۲۰	۹-۶- نام و نماد پرسپولیس
۱۲۱	۹-۷- پرسپولیس در فرهنگ عامه
۱۲۲	۹-۸- هواداران پرسپولیس
۱۲۵	خلاصه ی کتاب (انگلیسی)
۱۳۱	منابع و مآخذ



## مقدمه

اگر در دنیای سینما «آکیرا کوروساوا»، فیلمساز ژاپنی، به عنوان «امپراتور» ملقب گشته است در جهان فوتبال هم افشین قطبی، این عنوان را از آن خود کرده است. لقب امپراتور، یک عنوان با مسما و برازنده برای افشین قطبی است چرا که فقط یک امپراتور می‌تواند یک ارتش صد هزار نفری سرخ را در یک استادیوم ورزشی گرد هم آورد. پرسپولیس در حالی با کمک امپراتور به قهرمانی رسید که تا ۶ سال قبل از آن موفق نشده بود به مقام اول لیگ برتر ایران دست یابد و آخرین قهرمانی این تیم با مربیگری سلطان، علی پروین، حصول یافته بود. حضور افشین در پرسپولیس، بانی و باعث روزهایی رؤیایی و خاطره انگیز در فوتبال ایران بوده است. چیزی که افشین را به یک مربی دوست داشتنی تبدیل کرده، ویژگیهای اخلاقی خاص اوست. همه‌ی ما رفتار متین و مؤدبانه‌ی او را در کنفرانس‌های مطبوعاتی، آن هم به هنگام شکست تیمش چه در پرسپولیس و چه در تیم ملی ایران دیده‌ایم. واکنش مملو از نزاکت افشین، خصوصاً در مواقعی که به دلیل نتیجه نگرفتن تیمش انتقادات تند و کوبنده‌ای به او وارد می‌شد، درخور تعمق است.

جرقه‌ی نگارش این اثر کوچک، بلافاصله پس از خروج افشین از پرسپولیس در آبان ماه ۱۳۸۷ در ذهنم شکل گرفت. می‌دانستم موضوع حساسی را برای نگارش انتخاب کرده‌ام به همین جهت سعی کردم از بیشترین منابع فارسی و انگلیسی در مورد رویدادهای کاری پرفراز و نشیب افشین قطبی استفاده نمایم. مطالب کتاب در هشت فصل تنظیم شده است. فصول اول تا ششم سوابق حرفه‌ای افشین را از تولد تا به امروز در برمی‌گیرد. اما فصول هفتم و هشتم، تلخیصی از زمینه‌های شغلی همسر افشین و تحلیل شخصیت منحصر به فرد افشین را شامل شده است. در فصل نهم تاریخچه‌ی تیم پرسپولیس برای اطلاع علاقه‌مندان، گنجانده شده است. به منظور درج نظرات مخاطبین ارجمند برای بهبود محتوای کتاب در چاپ‌های بعدی، پست الکترونیک و وبلاگ شخصی خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارم:

[www.SeyedShahoAhmadi.blogfa.com](http://www.SeyedShahoAhmadi.blogfa.com)

Email: [SeyedShaho.Ahmadi@ymail.com](mailto:SeyedShaho.Ahmadi@ymail.com)

فروردین ماه ۱۳۹۰

# فصل اول

تولد، کودکی و نوجوانی



## ۱-۱- تاریخ و محل تولد

اولین سؤالی که در رابطه با افشین قطبی به ذهن هر ایرانی خطور می کند این است که او زاده‌ی چه شهری بوده و در چه تاریخی متولد شده است؟ پاسخ این سؤال در منابع مختلف، متفاوت می باشد که در اینجا ابتدا به گزارشات این منابع اشاره شده و سپس تاریخ و محل تولد واقعی افشین قطبی از زبان خودش درج گردیده است.

در یکی از اخبار ورزشی خبرگزاری فارس آمده است که: « افشین قطبی متولد ۱۹ بهمن ۱۳۴۳ هجری شمسی مطابق با ۸ فوریه ۱۹۶۴ میلادی در شیراز است.<sup>۱</sup>» یکی از سایتهای اینترنتی در این باره می گوید: «افشین قطبی در پنجم بهمن ماه سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در شهر شیراز به دنیا آمد.<sup>۲</sup>» در دانشنامه‌ی آزاد ویکی پدیا (Wikipedia)، تاریخ تولد افشین قطبی ۸ فوریه‌ی سال ۱۹۶۴ میلادی و محل تولد وی، تهران نام برده شده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - گروه ورزشی حوزه‌ی فوتبال ایران، افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۸۸/۲/۲

<sup>۲</sup> - پوریا، شنیده‌ها و نشیده‌ها (زندگینامه‌ی افشین قطبی)، www.woorld.mihanblog.com، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۳</sup> - Wikipedia, Afshin Ghotbi, The free encyclopedia, 2009

جالب اینجاست که در آخرین ویراست دایرت المعارف مذکور، اشاره شده است که: «افشین قطبی متولد ۸ فوریه ۱۹۶۴ در شیراز است<sup>۱</sup>». یعنی محل تولد نامبرده در این ویراست به جای تهران، شیراز نام برده شده است. در یکی دیگر از سایتهای اینترنتی آمده است که: «سید افشین قطبی در نوزدهم بهمن ۱۳۴۲ (۸ فوریه ۱۹۶۴) در شیراز به دنیا آمد<sup>۲</sup>».

با توجه به وجود این همه آمار مختلف در زمینه‌ی تاریخ و محل تولد افشین قطبی، بد نیست پاسخ این سؤال را از زبان خودش بشنویم. او در مصاحبه‌ای تلویزیونی عنوان کرد که در نوزدهم بهمن ماه ۱۳۴۲ شمسی برابر با هشتم فوریه‌ی ۱۹۶۴ میلادی در تهران متولد شده است<sup>۳</sup>.

---

<sup>۱</sup>- ویکی پدیا (دانشنامه‌ی آزاد)، افشین قطبی، [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)، ۱۳۸۹

<sup>۲</sup>- آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۳</sup>- فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷



## ۱-۲- والدین افشین

پدر و مادر افشین، سید محمد قطبی<sup>۱</sup> و سکینه علیشاهی<sup>۲</sup> هستند لذا نام دقیق وی که در برخی منابع نیز ذکر شده، سید افشین قطبی می‌باشد. سید محمد قطبی و سکینه علیشاهی هر دو در تهران معلم بودند<sup>۳</sup>. هنگام بازگشت افشین به ایران، برخی رسانه‌ها مدعی شدند که وی پسر مدیر سابق رادیو و تلویزیون حکومت محمد رضا شاه پهلوی، عبدالرضا قطبی، پسر دایی فرح دیبا پهلوی است. اما افشین بعدها عنوان کرد که پدر وی معلم و از اهالی نیریز استان فارس بوده است و نام وی محمد است نه عبدالرضا<sup>۴</sup> و بدین ترتیب به این شایعات خاتمه داده شد. والدین افشین، هر دو دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تهران بودند<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - فرهنگ رسانه، شکایت مادر افشین قطبی از یک مجله، خبر آنلاین، تهران، ۱۳۸۹/۲/۲

<sup>۳</sup> - فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

<sup>۴</sup> - ویکی‌پدیا (دانشنامه‌ی آزاد)، افشین قطبی، [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)، ۱۳۸۹

<sup>۵</sup> - سایت خبری دانشگاه تهران، افشین قطبی در دانشگاه تهران، [www.news.ut.ac.ir](http://www.news.ut.ac.ir)، تهران، ۱۳۸۸/۱۰/۲



تصویر ۱. افشین قطبی و مادرش، سکینه علیشاهی

### ۱-۳- کودکی افشین

کودکی افشین در تهران گذشت و افشین کوچک در کنار درس و مشق، همه‌ی فکر و ذکرش فوتبال بود. او می‌گوید: «از دوران کودکی‌ام خاطرات زیادی ندارم. بیشتر وقتها شاگرد خوبی بودم. ساکت بودم و کارهایم را انجام می‌دادم. در مدرسه از همه کوچکتر بودم به خاطر اینکه وقتی کلاس اول را تمام کردم فقط ۵ سال داشتم و برای کلاس دوم باید به مدرسه‌ی دیگری می‌رفتم. در مدرسه‌ی جدید ثبت نام نمی‌کردند. مسئولین مدرسه می‌گفتند تو پنج ساله‌ای و خیلی کوچک هستی و نمی‌توانیم اجازه دهیم در کلاس دوم درس بخوانی. اما بالاخره با صحبت‌های والدینم، توانستم در کلاس دوم ثبت نام کنم.» بدین ترتیب همه چیز آرام بود تا اینکه افشین ۷

ساله شد. او می‌گوید: «وقتی من ۷ ساله بودم پدر و مادرم از هم جدا شدند و موقعی که من و پدرم جدا شدیم فقط یک ساک داشتیم که مقدار کمی از لباسهایمان در آن بود. برای مدتی در یکی از کلاسهای درس مدرسه‌ای که پدرم در آن درس می‌داد، صندلیها را کنار می‌کشیدیم و روی زمین می‌خوابیدیم و واقعاً فوتبال بود که من را امیدوار نگه می‌داشت و آن انگیزه‌ای که برای فوتبال در خیابانها داشتم کمک کرد که این مدت یک‌ساله که ما در کلاس درس داشتیم زندگی می‌کردیم آسان‌تر شود. زمانی که کوچک بودم تلویزیون نداشتیم اما یک رادیو داشتم، از آن رادیوهای بزرگی که داخلش پر از چراغ بود. خیلی از بازیهای پرسپولیس یا استقلال یا تیم ملی را از رادیو پخش می‌کردند و وقتی بازیها را پخش می‌کردند، من که جوراب پایم بود سعی می‌کردم صحنه‌های بازی فوتبال را با ضرباتی که با پاهای جورابی به توپ می‌زدم، تکرار کنم که ممکن بود باعث شکستن وسایل منزلمان نیز بشود. واقعاً تمام زندگی من همین بود یا در مدرسه بودم و درس می‌خواندم یا داشتم فوتبال بازی می‌کردم.» دوران

کودکی و بخشی از نوجوانی افشین تا سن ۱۳ سالگی در تهران گذشت تا اینکه مهاجرت به آمریکا پیش آمد. او می‌گوید: «پدرم با یک خانم دندانپزشک ازدواج کرد و سه نفری با همدیگر به لس آنجلس در ایالت کالیفرنیا آمریکا رفتیم و در آنجا زندگی کردیم»<sup>۱</sup>.

#### ۱-۴- نوجوانی افشین

همانطور که گفته شد، بخشی از دوران نوجوانی افشین تا ۱۳ سالگی در ایران سپری شد و به دنبال ازدواج پدرش با خانمی دندانپزشک در سال ۱۳۵۶ شمسی (۱۹۷۷ میلادی)، آنها سه نفری به لس آنجلس آمریکا مهاجرت نمودند. او گفته است: «یادم می‌آید سال ۱۹۷۷ کلاس هشتم بودم و اولین سالی بود که در لس آنجلس زندگی می‌کردم. مدرسه‌ی ما در آن موقع، تیم فوتبال نداشت و من رفتم با مدیر مدرسه‌مان در این باره صحبت کردم؛ به او گفتم که ما جوانان خارجی زیادی از مکزیک، السالوادور، ایران و تمام جاهای دنیا در اینجا داریم و ما دوست داریم فوتبال بازی کنیم

---

<sup>۱</sup> - فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

ولی هیچ تیم فوتبالی در اینجا نیست. آیا ما می توانیم یک تیم فوتبال در اینجا درست کنیم؟ به این ترتیب از مدیر مدرسه اجازه گرفتیم و یک تیم فوتبال برای اولین بار در این مدرسه راه انداختیم. کسی که باعث شروع مربیگری من بود، دوستم آقای شریف زین بود که مربی فوتبال من در دبیرستان بود. ایشان یک کمپ فوتبال داشت که به بچه‌ها درس می داد. من از ۱۴ سالگی دستیارش بودم و در این مدرسه‌ی فوتبال با او همکاری می کردم. هر هفته خصوصاً در تابستانها ۳۰ الی ۴۰ نفر از بچه‌ها به این مدرسه‌ی فوتبال می آمدند و ما دوتایی با آنها کار می کردیم که این شروع من در مربیگری بود.<sup>۱</sup>»



تصویر ۲. شریف زین (Cherif Zein) و افشین قطبی (سمت چپ)  
در نوجوانی

<sup>۱</sup> - فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دبی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

افشین در مصاحبه‌ی دیگری عنوان کرده است که: «در کوچه و خیابانهای تهران فوتبال بازی می‌کردم. عاشق فوتبال بودم. بازیهای پرسپولیس و علی پروین را به یاد دارم. هنگامی که ۱۳ سال داشتم به آمریکا رفتم. در این کشور به این صورت، فوتبالی وجود نداشت. شور و عشق مردم به فوتبال نبود، پس بازی کردن هم دشوار بود.»<sup>۱</sup>



تصویر ۳. علی پروین، اسطوره‌ی پرسپولیس و تیم ملی ایران

او همچنین در جای دیگری می‌گوید: «اولین ماه‌های حضور در لس آنجلس برایم سخت بود. زبان انگلیسی بلد نبودم اما توانستم در عرض سه ماه زبان انگلیسی را یاد بگیرم. ضمن اینکه هر روز صبح، فوتبال هم بازی می‌کردم. فوتبال در قلب و خونم بود. در همان اوان در مدرسه‌ی «جونیه‌هایس هود»

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

تحصیل می‌کردم و توانستم تیم فوتبالی در آن مدرسه تشکیل بدهم. ملیتهای مختلفی در آن مدرسه تحصیل می‌کردند و به همین خاطر، اعضای تیم فوتبال این مدرسه هم از کشورهای مختلف بودند. چیزی که یادم می‌آید این است که در آنجا با فردی به اسم شریف زین آشنا شدم که پدرش ایرانی و مادرش مصری بود. او معلم مدرسه‌ی ما بود و یک مدرسه‌ی فوتبال هم داشت. یک روز که در حال فوتبال بازی کردن بودم او را دیدم و آن آشنایی باعث شد روابطمان بیشتر از گذشته شود. او مثل یک برادر بزرگتر برای من بود و مرا در مدرسه‌ی فوتبالش ثبت نام کرد و من زیر نظر او آموزش دیدم. از همان روزهای اول که به این شکل فوتبال را ادامه دادم، دلم می‌خواست علم فوتبال را یاد بگیرم. دلم می‌خواست بیشتر به جای اینکه فوتبال بازی کنم فوتبال آموزش بدهم. مدرسه‌ی فوتبال ما، مدرسه‌ی معروفی بود. در این مدرسه «جان ویت» بازی می‌کرد. در ضمن باید بگویم که در اواسط دهه‌ی هفتاد میلادی، آمریکایی‌ها به فوتبال روی آوردند و به سرمایه‌گذاری پرداختند. همان سالها بود که تیم ثروتمند کاسموس آمریکا

بازیکنانی چون پله، بکن باوئر و یوهان کرایف را به استخدام خود درآورده بود. در مدرسه‌ی فوتبال ما هم بازیکنان نوجوان خوبی از کشورهای مکزیک، ایران، مصر، ژاپن، چین و آفریقا حضور داشتند. به همین خاطر تیم فوتبال مدرسه‌ی ما، بین المللی شد و در مسابقات بین مدارس هم به مقام اول در کالیفرنیا رسید. من آن زمان، مربی‌شان بودم. این روند، ادامه داشت تا اینکه ۱۷ ساله شدم<sup>۱</sup>»

افشین در مورد نقش خانواده‌اش در پیشرفت‌های ورزشی‌اش می‌گوید: «پدر و مادر خوانده‌ام به تشویق من پرداختند. به خصوص مادر خوانده‌ام که برایم خیلی زحمت کشید و در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی‌ام خیلی به من کمک کرد. او در ایران دندانپزشک بود. پدرم در ایران معلم بود. آنها مثل من در ابتدای حضور در آمریکا مشکلاتی داشتند و از طرفی باید حواسشان هم به من می‌بود چرا که سنین ۱۳ تا ۱۸ سالگی برای شکل‌گیری شخصیت یک فرد خیلی مهم است و آموزش باید درست باشد. از طرفی پول زیادی

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطعی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷



هم نداشتند که امکانات زیادی در اختیارم بگذارند اما تمام تلاششان را کردند که من به شکل حرفه‌ای، فوتبال را ادامه دهم. از کودکی و بعد هم نوجوانی همیشه سعی‌ام این بود که روی پای خودم بایستم. از همان روزهای ابتدایی حضور در آمریکا، با اینکه در دبیرستان تحصیل می‌کردم و فوتبال هم بازی می‌کردم، دلم نمی‌خواست پدرم را اذیت کنم و او بیش از حد برایم خرج کند. درک می‌کردم که زندگی در غربت سخت است و من هم باید به عنوان یک عضو از خانواده، خرج خودم را درمی‌آوردم. شاید باورتان نشود؛ مدتی روزنامه فروشی می‌کردم. مدتی هم در خانه‌ی مردم، باغبانی می‌کردم تا درآمد کمی برای خودم داشته باشم و حداقل خرج خودم را در بیاورم. این چیزها را بازگو کردم که بگویم زحمت کشیدم تا به اینجا رسیدم. از بچگی همه چیز برای من مهیا نبود. از همان دوران سعی کردم خودم شخصیتم را بسازم. از همان زمان، سعی‌ام بر این بود که قدر داشته‌هایم را بدانم. شاید اگر به آسانی به همه چیز می‌رسیدم حالا قدر آن را نمی‌دانستم. من به آسانی به همه چیز نرسیدم. آنهایی که به آسانی به چیزی

می‌رسند تنبل بار می‌آیند اما من از کودکی، آدم تنبلی نبودم. تمام سعی ام این بود که کار و تلاش کنم و چیزهای جدید یاد بگیرم. در تمام عمرم دوست داشتم پرکار باشم.<sup>۱</sup>»

لازم به توضیح است که افشین از اوایل نوجوانی با تیم پرسپولیس تهران مأنوس شد بطوریکه گفته است: «فوتبال در روزهای نوجوانی، عشق من و راه زندگی من بود. تیم‌های استقلال و پرسپولیس را دوست داشتم و علی پروین و ناصر حجازی، بازیکنان محبوب من بودند.<sup>۲</sup>»



تصویر ۴. ناصر حجازی، اسطوره‌ی دروازه‌بانی استقلال و تیم ملی ایران

<sup>۱</sup>- گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup>- آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

# فصل دوم

تحصیل در دانشگاه UCLA و تأسیس مدرسه ی فوتبال



## ۲-۱- تحصیل و ورزش در دانشگاه

افشین از همان آغاز جوانی در سن ۱۷ سالگی وارد دانشگاه معروف UCLA<sup>۱</sup> آمریکا شد. او در این باره می‌گوید: « در ۱۷ سالگی و در سال ۱۹۸۱ به دانشگاه معروف UCLA رفتم که دانشگاه معتبری است و به نوعی معروفترین دانشگاه کشور آمریکاست. این دانشگاه در آن سال، سی‌هزار دانشجو داشت. در این دانشگاه در رشته‌ی مهندسی برق الکترونیک تحصیل کردم. این رشته در دانشگاه UCLA از اعتبار بالایی برخوردار است. هم‌کلاسیهای من برای اینکه دروس خود را پاس کنند، روزی ۱۸ تا ۲۰ ساعت درس می‌خواندند چرا که رشته‌ی بسیار مشکلی است. اما من از آنجا که کارهای متفاوتی زیادی می‌کردم، ساعات زیادی درس نمی‌خواندم ولی سعی می‌کردم درست یاد بگیرم. وقتی در سال ۱۹۸۱ وارد محیط این دانشگاه شدم دوستان ایرانی نداشتم. به همین خاطر، لهجه‌ی فارسی‌ام کمی تغییر پیدا کرد. از همان ۱۷ سالگی، زمانیکه وارد این دانشگاه شدم ابتدا در

---

<sup>۱</sup> - University of California, Los Angeles

خوابگاه زندگی می‌کردم. دو سال بعد به همراه یکی از دوستانم یک آپارتمان اجاره کردم. به محض اینکه به دانشگاه UCLA رفتم، خیلی سریع به عضویت تیم فوتبال دانشگاه درآمدم و تنها ایرانی تیم فوتبال آنجا بودم. کوچک اندام بودم، برعکس دیگر بازیکنان که از اندام تنومندی برخوردار بودند. یک مربی آلمانی داشتیم که نامش «زیگ ایشلید» بود که بعدها مربی تیم فوتبال جوانان آمریکا شد و همچنین ۵ سال رهبری تیم «گالکسی لس آنجلس» را بر عهده گرفت. او فوتبال را خیلی خوب می‌شناخت و من الفبای حرفه‌ای فوتبال را از او یاد گرفتم. از دوران دانشجویی‌ام تجربیات خوبی دارم. تیم فوتبال دانشگاه UCLA به تمام آمریکا سفر می‌کرد و بازی برگزار می‌نمود و من هم با این تیم همراه بودم. مدتی که از حضور من در این تیم گذشت، تصمیم گرفتم در یک مدرسه‌ی ورزش در رشته‌ی فوتبال، مربیگری کنم. شاگردان ۷ ساله تا ۱۴ ساله داشتم. آنها مرا خیلی دوست داشتند. چرا که فوتبال را با هیجان یاد می‌دادم و به

کار مریگری، علاقه‌ی وافری داشتم. سرانجام در سال ۱۹۸۶ در رشته‌ی مهندسی برق الکترونیک از دانشگاه UCLA فارغ‌التحصیل شدم<sup>۱</sup>».

## ۲-۲- بعد از فارغ التحصیلی

افشین در مورد دوران پس از فارغ التحصیلی‌اش از دانشگاه UCLA می‌گوید: «بعد از فارغ التحصیلی، رشته‌ی تحصیلی‌ام را در محیط کاری ادامه ندادم و تصمیم گرفتم به سراغ آرزوهای دوران کودکی‌ام بروم. از سال ۱۹۸۶ یعنی پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه تا سال ۱۹۸۸، طی دو سال از فدراسیون فوتبال آمریکا مدرک مریگری‌ام را دریافت کردم و درسهای آن را فراگرفتم تا اینکه در سال ۱۹۸۸ به فکر تأسیس یک مدرسه‌ی فوتبال افتادم.<sup>۲</sup>»

---

<sup>۱</sup>- گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مری پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup>- گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مری پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

## ۲-۳- تأسیس مدرسه‌ی فوتبال افشین قطبی

(Afshin Ghotbi Soccer School or AGSS)

یکی از آرزوهای دیرینه‌ی افشین، پایه‌گذاری یک مدرسه‌ی فوتبال بود. به همین دلیل در سال ۱۹۸۸ سعی کرد تا به این آرزویش جامه‌ی عمل بپوشاند. او در این باره می‌گوید: «در سال ۱۹۸۸ یعنی زمانی که ۲۴ ساله بودم تصمیم گرفتم مدرسه‌ی فوتبالم را تأسیس کنم. هدفم از تأسیس این مدرسه این بود که جوانها را آموزش دهم تا در فوتبال بین‌المللی بازی کنند. البته پس از مدتی شاگردانم خیلی زیاد شدند؛ به طور متوسط روزی ۱۶۰ شاگرد داشتم که رنج سنی آنها از ۶ ساله تا ۱۹ ساله بود. پس از مدتی تصمیم گرفتم چند مربی دیگر به مدرسه‌ی فوتبالم بیاورم که ایتالیایی و هلندی بودند. این تلاش باعث شد موقعیت خوبی نصیب مدرسه‌ی فوتبال من شود و در دراز مدت به جز علم فوتبال با مسائل مدیریتی فوتبال هم آشنا شدم چرا که مدرسه‌ای را اداره می‌کردم که سالی هزار شاگرد داشت. طی این سالها وقتی مدرسه‌ی من در لس آنجلس به محبوبیت رسید، پای مریمان



بزرگ دیگری را به آنجا باز کردم؛ مربیانی چون «کوآدریانز» که او را از تیم آژاکس آمستردام هلند آوردم و همچنین «بورامیلوتینویچ»، مربی معروف اهل یوگسلاوی، که سابقه‌ی ۵ حضور در جام جهانی را دارد (۱۹۸۶ با مکزیک، ۱۹۹۰ با کاستاریکا، ۱۹۹۴ با آمریکا، ۱۹۹۸ با نیجریه و ۲۰۰۲ با چین). آنها بعدها دوستان صمیمی من شدند و کمکهای بزرگ و تجارب فراوانی از آنها کسب کردم. یک بار بورا به من گفت: «از تو خوشم می‌آید که در سرزمین آمریکا این قدر عاشق فوتبالی.» وقتی دلپش را از او پرسیدم گفت: «چون تا پیش از جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا، مردم این کشور با فوتبال بیگانه بودند.» واقعاً هم همینطور بود. عشق فوتبال در آمریکا زیاد دیده نمی‌شد. اما مدرسه‌ی فوتبال من و دوستانم باعث شد تا در کالیفرنیا، آمریکا، فوتبال بین المللی ارائه بدهیم و افراد زیادی را به سوی فوتبال بکشانیم. شاید باورش مشکل باشد اما تا اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ بسیاری از آمریکایی‌ها هیچ علاقه‌ای به فوتبال نشان نمی‌دادند و از آن زمان بود که شاهد بودیم تیم ملی آمریکا از سال ۱۹۹۰ در ۵ دوره‌ی متوالی راهی جام

جهانی شد. بورا می گفت: «تو با مدرسه‌ات در بین اهالی کالیفرنیا انگیزه

ایجاد کردی.»



تصویر ۵. بورا میلوتینوویچ (Bora Milutinovic) مربی صربستانی

به جز آموزش فوتبال در مدرسه‌ام، مدیریت این مدرسه هم بر عهده‌ی خودم بود. زحمات زیادی برای آنجا کشیدم. حتی گاهی اوقات پشت تراکتور چمن زنی می‌نشستم و چمنها را کوتاه می‌کردم. برایم مهم نبود که چه کاری می‌کنم، تنها هدفم این بود که مدرسه‌ام با نام افشین قطبی که بعدها به نام AGSS<sup>۱</sup> تغییر نام یافت هدفمند شود و بازیکن بین‌المللی تحویل دنیای فوتبال بدهد. در مدرسه‌ام از تمام دنیا شاگرد داشتم. پس از

---

<sup>۱</sup> - American Global Soccer School

اینکه مدرسه‌ام به اعتبار قابل توجهی دست یافت، اشخاصی که در نقاط مختلف دنیا کارشان کشف بازیکن مستعد بود از برزیل، آفریقا، مکزیک، آذربایجان و دیگر نقاط دنیا برایم بازیکن زیر ۱۶ سال می‌فرستادند و من هم به آموزش آنان می‌پرداختم. از طرفی طی این سالها ارتباطات زیادی با مدارس فوتبال و باشگاه‌های بزرگ برقرار کرده بودم. آنها هم می‌خواستند حرفه‌ای بازی کنند. از این رو مدرسه‌ی فوتبالم طی چند سال، جهانی شد. یادم می‌آید که یک بازیکن آمریکایی داشتم به نام «جان اوبراین» که از ۱۴ سالگی به مدرسه‌ی من آمد. او را در ۱۶ سالگی به تیم آژاکس آمستردام هلند فرستادم و مدت هشت سال در تیم آژاکس و دو جام جهانی هم برای تیم ملی آمریکا بازی کرد. او یکی از بهترین شاگردان من بود. حتی تعدادی از شاگردانم به روسیه رفتند و در لیگ آنجا بازی کردند. به تیم فوتبال فورتونا سیتاد هلند هم چند بازیکن فرستادم و این روند طی سالها حضورم در آمریکا همچنان ادامه داشت و هرگاه بازیکنی را به اروپا می‌فرستادم احساس درونی خوبی پیدا می‌کردم؛ چون یکی از آرزوهایم این

بود که روزی در لیگهای معتبر اروپایی بازی کنم اما هیچ وقت موقعیتش پیش نیامد. همانطور که گفتم هدفم تنها کسب درآمد نبود. شاگردانی داشتم که حتی پولی برای ثبت نام در مدرسه‌ام نداشتند. یا خودم هزینه‌هایشان را تأمین می‌کردم یا دوستانی داشتم که هر ساله کمکی به مدرسه‌ی فوتبالم می‌کردند. این دوستان، کسانی بودند که عشق به فوتبال در چشمانشان موج می‌زد. درست مثل دوران نوجوانی خودم و من به خوبی با این روحيات آشنا بودم. این مسأله باعث می‌شد انرژی‌ام نسبت به گذشته بیشتر شود. در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی سه تن از شاگردانم در تیم اعزامی آمریکا به المپیک حضور داشتند. سرانجام در سال ۲۰۰۲، مدرسه‌ی فوتبالم را در لس آنجلس تعطیل کردم چرا که در آنجا نبودم و دیگر نمی‌توانستم بر آن مدرسه مدیریت داشته باشم. یعنی مدرسه‌ای را که در سال ۱۹۸۸ تأسیس کرده بودم پس از ۱۴ سال فعالیت تعطیل کردم.<sup>۱</sup>»

---

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷



تصویر ۶. جان اوبراین (John O'Brein) شاگرد افشین قطبی و بازیکن سابق آژاکس هلند



فصل سوم

حضور در تیم ملی فوتبال آمریکا و کره می جنوبی





### ۳-۱- حضور در تیم ملی فوتبال آمریکا به عنوان کمک مربی

زمانیکه افشین در دانشگاه UCLA عضو تیم فوتبال دانشگاه بود، زیگ ایشلید و استیوسمپسون به ترتیب مربی و کمک مربی این تیم فوتبال بودند. همانطور که در فصل دوم گفته شد، زیگ ایشلید بعدها سرمربی تیم فوتبال جوانان آمریکا شد. اما استیوسمپسون در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال آمریکا انتخاب گردید و همین استیوسمپسون بود که پای افشین را به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه باز کرد. این اولین حضور افشین در تیم ملی آمریکا و در واقع اولین حضور او در یک جام جهانی محسوب می شد که به عنوان دستیار و کمک مربی تیم ملی فوتبال آمریکا فعالیت می کرد. در واقع از سال ۱۹۹۷ افشین وارد کادر فنی مربیگری تیم ملی آمریکا شد. یک سال بعد، او جزو گروهی بود که علاوه بر عضویت در هیأت فنی، گزینشگر ارشد بازیکنان تیم ملی آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ بود.<sup>۱</sup> او در این باره می گوید: «استیوسمپسون که سرمربی تیم ملی آمریکا در

<sup>۱</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

جام جهانی ۱۹۹۸ بود مربی‌ام در دانشگاه UCLA بود و از همان زمان، ارتباطمان خیلی قوی شد. او از تلاشهای من خوشش می‌آمد. از این رو پس از اینکه سرمربی تیم ملی آمریکا شد مرا به تیم ملی دعوت کرد و من دستیار او شدم.<sup>۱</sup>»

ذکر این نکته ضروری است که استیوسمپسون یکی از اولین مربیانی بود که از کامپیوتر و تکنولوژی جدید به منظور ارتقای آموزش و مدلسازی برای برنامه‌ریزی در مسابقات حرفه‌ای فوتبال استفاده کرد. افشین بعدها در رهبری تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی از این تکنیک استفاده کرد.<sup>۲</sup>

### ۳-۲- پیروزی تاریخی تیم فوتبال ایران بر تیم آمریکا

وقتی قرعه‌کشی مسابقات جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه انجام شد و معلوم شد که تیم ملی ایران و تیم ملی آمریکا در یک گروه قرار دارند مربی ایرانی تیم ملی آمریکا یعنی افشین قطبی دچار بحران شد. افشین در این مورد

---

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

می‌گوید: «من عاشق کشورم ایران و مردم آن هستم اما در آن زمان در تیم ملی آمریکا مسئولیت مربیگری داشتم. وقتی متوجه شدم ایران و آمریکا در یک گروه هستند دچار بحران احساسی شدیدی شدم. از یک طرف در قلبم احساس می‌کردم که ایرانی‌ام و از سوی دیگر باید تلاش می‌کردم وظیفه‌ی تخصصی‌ام را به عنوان یک مربی بر حس وطن‌پرستی که در من قوی است ترجیح دهم. بورا میلوتینوویچ در این مورد به من کمک کرد. او بارها مربی تیم‌هایی بود که رو در روی تیم ملی کشور خودش قرار می‌گرفتند. من می‌دانستم که تیم ملی ایران چهره‌های مهمی دارد؛ علی دایی شگفت‌انگیز بود، کریم باقری در بازیهای کوتاه و توپهای بلند مهارت بسیاری داشت و وسط کریم باقری و علی دایی، خداداد عزیزی بود که فنی، خلاق و غیرقابل پیش‌بینی بود. مهمتر از همه، تیم ملی ایران بود که همه‌ی اعضایش در خدمت تیم بودند. پیش از بازی تیمهای ایران و آمریکا به من هشدار داده شده بود که به گذشته‌ی ایرانی‌ام فکر نکنم. وقتی وارد استادیوم شدم با تشویق حیرت‌انگیز ایرانیانی که بیشتر صندلیهای استادیوم را پر کرده بودند

مواجه شدیم. دیدن این صحنه به هر کسی که ایرانی بود احساسی از غرور می‌داد و من هم یک ایرانی بودم. وقتی توپ به طرف حمید استیلی رفت می‌دانستم چه اتفاقی می‌افتد و وقتی استیلی گل زد نمی‌دانستم باید چکار کنم، گریه کنم یا هورا بکشم؟! نشستم و به روبرو خیره شدم. آن روز تمام مردم ایران در کشور از تیم ایران حمایت می‌کردند و این پیروزی به آنها روحیه داده بود.<sup>۱</sup> پس از شکست تیم ملی فوتبال آمریکا در مقابل تیم ایران، استیوسمپسون استعفا داد و من هم از تیم آمریکا جدا شدم.<sup>۲</sup>»



تصویر ۷. استیوسمپسون (Steve Sampson) مربی آمریکایی

---

<sup>۱</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

### ۳-۳- دعوت به تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی

پس از جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و شکست تیم آمریکا از تیم ایران، کادر فنی تیم ملی فوتبال آمریکا تغییر کرد و افشین به مدرسه‌ی فوتبالش بازگشت. اما کمی بعد گاس هیدینک، سرمربی نام‌آشنای هلندی کره‌ی جنوبی، که از سالها قبل افشین و مدرسه‌ی فوتبالش را می‌شناخت از او دعوت کرد تا به تیم ملی کره‌ی جنوبی ملحق شود.<sup>۱</sup>

گاس هیدینک یکی از بزرگترین مربیان جهان، هم در سطح باشگاهی و هم در سطح ملی است. بیشتر مربیان تنها در یکی از این دو سطح موفق می‌شوند. اما این مربی هلندی با تیم فوتبال آینده‌ی هلند و تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی نامش را در تاریخ جاودانه کرد. افشین قطبی سالها دوست نزدیک و مشاور فنی هیدینک بوده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>- فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup>- خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱



تصویر ۸: گاس هیدینک (Guus Hiddink) مربی هلندی

افشین در مصاحبه‌ای در مورد اینکه چطور در اردوهای مدرسه‌ی فوتبالش به اروپا، با مربیانی همچون یوهان کرایف و گاس هیدینک آشنا شده گفته است: «طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ من سالی، یک تا یک ماه و نیم از وقتم را در اروپا می‌گذراندم و بازیکنان مدرسه‌ی فوتبالم را به آنجا می‌بردم تا آنان در باشگاه‌های اروپا بازی کنند. طی این سالها رابطه‌ام با تیم آژاکس آمستردام بسیار مطلوب بود. آژاکس از دیرباز، مدرسه‌ی فوتبال معروفی در اروپا داشت و دارد و تفکر ویژه‌ای بر آن حاکم است. بازیکنان معروفی از این مدرسه به سراسر دنیا معرفی شده‌اند که نمونه‌اش ترکیب اصلی تیم ملی هلند در دو جام جهانی ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ و ستاره‌ی بی‌بدیل آنان، یوهان کرایف، بود که مادرش در رختشویی باشگاه آژاکس کار می‌کرد و بعدها نام پسرش را در مدرسه‌ی فوتبال آژاکس نوشت. وقتی کرایف مربی تیم

بارسلونا بود به آمستردام آمد تا با آژاکس در لیگ باشگاه‌های اروپا بازی کند. من هم به آن بازی دعوت شدم. پس از بازی به رختکن بارسلونا رفتم و با او حرف زدم. به او گفتم زمانیکه در تیم کاسموس بازی می‌کردی و من ۱۴ ساله بودم بازیهایت را از نزدیک تماشا می‌کردم. در همان رختکن توسط مسئولان تیم آژاکس به او معرفی شدم و باب آشنایی‌مان از آنجا باز

شد.



تصویر ۹. یوهان کرایف (Johan Cruyff) بازیکن و مربی هلندی

این رفت و آمدها به هلند باعث شد تا با مربیان بزرگ آنجا آشنا شوم. همچنین از سال ۱۹۹۷ من به همراه بورا میلوتینوویچ توانستیم مشخصات فوتبالیست‌ها را از لحاظ قوای بدنی، تکنیک و تاکتیک‌پذیری به رایانه انتقال دهیم و آنها را برنامه‌ریزی کنیم و در نهایت به صورت تصویری به

بازیکنان آموزش دهیم. همین امر باعث شد هلندی‌ها از آن استقبال کنند. به نوعی تکنولوژی را به فوتبال انتقال دادیم. در این نرم افزار کامپیوتری، نام من هم ثبت شد و از آنجا بود که بسیاری از مربیان اروپایی به ویژه گاس هیدینک هلندی با نام افشین قطبی آشنا شدند.<sup>۱</sup> هیدینک از طریق «پیم وریبک» اسمم را شنیده بود. در جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا در کنار هم، بازیها را نگاه می کردیم. در اروپا بازیها و روش کار هیدینک را دیدم. حتی با خودش هم کار می کردم، تا اینکه روزی خودش گفت: «افشین می تواند به ما کمک کند. او زبان و تصویر خوبی از فوتبال درست کرده است.» کار من و هیدینک در هنگ کنگ شروع شد. در همان برخورد ابتدایی با اینکه او از من شناخت چندانی نداشت، بسیار صمیمی شد و خواست تا برای جام جهانی ۲۰۰۲ دستیارش شوم و کنار هم باشیم.<sup>۲</sup> او از سال ۲۰۰۱ سرمربی تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی شد.<sup>۳</sup> اما یک مشکل وجود داشت. آن زمان،

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - خیرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۳</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷



کره‌ی جنوبی دو کمک مربی کره‌ای داشت و همه‌ی سمتهای تیم ملی این کشور پر بودند. اما هیدینک که می‌خواست من به همراه تیم ملی کره‌ی جنوبی باشم برای نخستین بار سمت جدیدی را با عنوان «آنالیزور فوتبال» برای من درست کرد. عنوان جدیدی بود تا من را کنار خودش داشته باشد. اما در حقیقت کار کمک مربی‌ها را انجام می‌دادم و کره‌ای‌ها نقش چندانی نداشتند و دیدید که چگونه در جام جهانی ۲۰۰۲ تاریخ‌ساز شدیم و تیم کره‌ی جنوبی به مقام چهارم دست یافت.<sup>۱</sup> «افشین قطبی در جایی دیگر در مورد همکاری اش با گاس هیدینک گفته است: «نقش من با آقای هیدینک در جام جهانی ۲۰۰۲ در تیم کره‌ی جنوبی بیشتر پشت پرده بود که در انگلیسی به آن «Back Room» می‌گویند و من تمام برنامه ریزی‌ها، تمام تاکتیکها و صحنه‌های انیمیشن فوتبال را درست می‌کردم تا به بازیکنان

---

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

توضیح دهم که چطور فوتبال بازی کنند. در ایران به این نقش، «آنالیزور» می‌گویند اما به نظر من این نقش یک مربی است.<sup>۱</sup>»

#### **۳-۴- تیم کره‌ی جنوبی با گاس هیدینگ و افشین قطبی تا شگفتی ۲۰۰۲**

تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی به لطف سازماندهی خویش در جام جهانی ۲۰۰۲ که به همراه ژاپن، میزبان بود بهترین نتایج تاریخ فوتبال قاره‌ی آسیا را به دست آورد. افشین گام به گام کامیابی تیم کره‌ی جنوبی را به یاد می‌آورد. او می‌گوید: «یک ماه در آمریکا، اروگوئه و اسپانیا اردوی آماده‌سازی داشتیم. یکی دو ماه هم در کره‌ی جنوبی تمرین کردیم. سازماندهی و آمادگی‌مان در سطح بسیار خوبی بود. نتایج خوب در بازی انگلستان و فرانسه، اعتماد به نفس بازیکنانمان را بالا برد. هرچه به جام نزدیکتر می‌شدیم مردم خوشحال‌تر می‌شدند. روحیه‌ی بسیار خوبی داشتیم. البته در جام جهانی، شروع محکمی نداشتیم اما به تدریج بهتر شدیم. طوری بازی می‌کردیم که به نظر می‌آمد به جای یازده بازیکن، چهار بازیکن در

---

<sup>۱</sup>- فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

میدان می‌دویدند! نتایج خوب هم به دنبال آن از راه رسیدند و مردم هم برای ما هورا می‌کشیدند.<sup>۱</sup>»

بزرگترین انتقاد وارده بر تیم یکدست مرد هلندی، لطف داوران به ویژه در دیدارهای حذفی بود. افشین قطبی در این باره دیدگاه جالبی دارد. او می‌گوید: «این بحث داوری همیشه وجود داشته است. هنگامی که تیمهای آرژانتین، برزیل یا آلمان می‌برند هیچکس نمی‌گوید چرا و چگونه پیروز شدند اما وقتی تیمهای کره‌ی جنوبی، ژاپن یا ایران برنده می‌شوند هیچکس نمی‌گوید خوب بازی کردند. مربی تیم فرانسه در نشست خبری درباره‌ی خوش‌شانسی تیم کره‌ی جنوبی گفته بود که آنها آنقدر تلاش می‌کنند تا شانس را به وجود آورند.<sup>۲</sup>»

---

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۲</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

### ۳-۵- افشین ورد پیشنهاد تیم آیندهون هلند

با پایان یافتن جام جهانی ۲۰۰۲ و جشن‌های ملی در کره‌ی جنوبی، گاس هیدینک به کشورش هلند و تیم آیندهون بازگشت تا نشان دهد توانایی‌اش تنها به بازیهای ملی خلاصه نمی‌شود. او در تیم آیندهون، افشین را فراموش نکرد. اما افشین قطبی خواسته‌ی دیگری داشت. او در این باره می‌گوید: «جام جهانی ۲۰۰۲ که تمام شد گاس هیدینک از من خواست تا به تیم آیندهون بروم. در آن هنگام به کالیفرنیا بازگشته بودم. دوست داشتم افزون بر آنالیزور فوتبال، نقش بزرگتری داشته باشم. باشگاه سامسونگ بلوونینگر کره‌ی جنوبی به من پیشنهاد داد تا کمک مربی این تیم شوم. سامسونگ تیم بزرگی در کره‌ی جنوبی محسوب می‌شود. در ضمن این تیم سه برابر بیشتر از تیم آیندهون به من پول می‌داد که با توجه به شرایط، لازم بود پیشنهادشان را بپذیرم.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

به این ترتیب افشین در سال ۲۰۰۳ وارد لیگ حرفه‌ای کره‌ی جنوبی شد و پس از آن در سال ۲۰۰۴ به آمریکا بازگشت و ترجیح داد در لس آنجلس هدایت تیم فوتبال گالکسی را بر عهده بگیرد. او در این باره گفته است: «در لس آنجلس بیشتر می‌توانستم در کنار خانواده‌ام باشم.<sup>۱</sup> این بار به عنوان دستیار استیو سمپسون در تیم گالکسی لس آنجلس کار کردم.<sup>۲</sup> البته تماسم با گاس هیدینک و دیک ادوکات هلندی قطع نشد. ادوکات همیشه به من می‌گفت: «سرانجام در جایی با تو کار خواهیم کرد.»<sup>۳</sup> این روند ادامه داشت تا اینکه دیک ادوکات در سال ۲۰۰۵ مربی تیم ملی هلند شد و من و پیم

وربیک دستیار او شدیم.<sup>۴</sup>»



تصویر ۱۰. پیم وربیک (Pim Verbeek) مربی هلندی

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۲</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امرا تور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۳</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۴</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امرا تور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

### ۳-۶- حضور مجدد افشین در تیم ملی کره‌ی جنوبی

ادوکات پس از سرمربیگری تیم ملی هلند، در آستانه‌ی جام جهانی ۲۰۰۶ سرمربی تیم ملی کره‌ی جنوبی شد و بی‌درنگ با افشین قطبی تماس گرفت. این بار نقش افشین از دوران مربیگری گاس هیدینک پررنگ‌تر بود. او در این مورد می‌گوید: «از زمان ادوکات در تیم ملی کره‌ی جنوبی نقش پررنگتری داشتم و این نقش بیشتر به چشم می‌آمد و تمرینات به دست من سپرده شد.<sup>۱</sup>» افشین در جایی دیگر در مورد ورود مجددش به تیم ملی کره‌ی جنوبی گفته است: «فکر می‌کنم ۹ ماه قبل از جام جهانی ۲۰۰۶ بود که با آقای ادوکات و وریک جلسه گذاشتیم و من پست کمک مربی تیم ملی کره‌ی جنوبی را انتخاب کردم. از سال ۲۰۰۵ تا جام جهانی ۲۰۰۶ من کمک مربی دوم تیم کره‌ی جنوبی بودم و بعد از جام جهانی ۲۰۰۶ که

---

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

آقای ادوکات به تیم زنیت سن پترزبورگ روسیه رفت من کمک مربی اول آقای وریک شدم.<sup>۱</sup>»

لازم به توضیح است که گاس هیدینک و دیک ادوکات از مربیان معتبر هلندی هستند. هیدینک در جام جهانی ۱۹۹۸ با تیم ملی هلند به مقام چهارم جهان دست یافت و ادوکات در جام جهانی ۱۹۹۴ و جام جهانی ۲۰۰۲ سرمربی تیم ملی هلند بوده، ضمن اینکه ادوکات در سال ۱۹۸۸ تیم هلندی آیندهون را قهرمان لیگ اروپا کرد.<sup>۲</sup>



تصویر ۱۱. دیک ادوکات (Dick Advocaat) مربی هلندی

افشین در مورد مقایسه‌ی تیم ملی کره‌ی جنوبی در جام جهانی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ می‌گوید: «خودم فکر می‌کنم تیم کره‌ی جنوبی در جام جهانی ۲۰۰۶

<sup>۱</sup> - فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطعی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دبی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطعی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

نسبت به جام جهانی ۲۰۰۲ بهتر بود. بازیکنان بهتری داشتیم و در هر منطقه از مربی خوبی برخوردار بودیم. البته وقت زیادی نداشتیم تا مریان را هماهنگ کنیم. یکی از مشکلات ما، بازیکنان بزرگ آسیایی بودند که پول و حامیان فراوانی داشته و رسانه‌ها پشتیبانشان بودند. اما به هر حال در کره‌ی جنوبی تیم فوتبال یکدستی شکل دادیم. توانستیم در بازی مقابل مکزیک در حالیکه تنها از بازیکنان داخلی استفاده می‌کردیم به پیروزی برسیم. با شروع دیدارهای مرحله‌ی گروهی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، فشار بسیاری به ما وارد می‌شد. تیم توگو حریف سرسختی بود اما بر این تیم پیروز شدیم. سرانجام در بازی پایانی مقابل تیم سوئیس با وجودیکه برای صعود شانس خوبی داشتیم به علت اشتباهات فردی باختیم.»

با پایان رقابتهای جام جهانی ۲۰۰۶ پرونده‌ی یک هلندی دیگر در تیم ملی کره‌ی جنوبی بسته شد. دیک ادوکات و گاس هیدینک تیم ملی روسیه را برای ادامه‌ی کارشان برگزیدند. افشین در این باره گفته است: «گاس هیدینک پیش از سفر به روسیه و جدایی از اتحادیه‌ی فوتبال استرالیا با من



تماس گرفت و پرسید چکار می‌کنم. البته از من نخواست تا به روسیه بروم، چرا که از شرایط آگاه بود.» با رفتن ادوکت، دوران هلندیها در فوتبال کره‌ی جنوبی به پایان رسید و پیم وریبک، دستیار پیشین ادوکت جایش را گرفت. این تغییر، جایگاه قطبی را بهتر از گذشته کرد. اکنون قطبی مربی تیم کره‌ی جنوبی است و سران فوتبال این کشور روی او در دیدارهای انتخابی جام ملتهای آسیای ۲۰۰۷ به ویژه بازی ایران، حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. او در این باره گفته است: «آنها با کار من آشنا بودند و برای همین تصمیم گرفتند که به همکاریشان با من ادامه بدهند.»<sup>۱</sup>

### ۳-۷- جام ملتهای آسیای ۲۰۰۷ و رویارویی ایران و کره‌ی جنوبی

ایران و کره‌ی جنوبی در رقابتهای انتخابی جام ملتهای آسیا در سال ۲۰۰۷ در یک گروه قرار داشتند. افشین قطبی که روی نیمکت کره‌ی جنوبی نشست درباره‌ی روند آمادگی تیمش می‌گفت: «ما بازیکنان کره را می‌شناختیم و با مطالعه‌ی دقیق، تنها بازیکنان جوان را به تیم ملی دعوت

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

کردیم چرا که برنامه‌ی اصلی‌مان جام جهانی ۲۰۱۰ بود. البته برنامه‌های کوتاه مدت را هم باید در نظر می‌گرفتیم چرا که اگر در این مدت پیروز نمی‌شدیم، رسانه‌ها و مردم انتقاد می‌کردند. اگر همیشه از بازیکنان جوان دعوت کنی و نتیجه‌نگیری، شرایط دشوار می‌شود. ما به صعود به مرحله‌ی پایانی جام ملتهای آسیا فکر می‌کردیم. می‌خواستیم تیم را آماده کنیم. چالش بزرگی داشتیم. اگر پیروز نمی‌شدیم، همه می‌گفتند تیم بدی داریم. باید تعادل و سیستم مناسبی می‌داشتیم. در آن زمان به ایران فکر نمی‌کردیم به خودمان فکر می‌کردیم. البته من دوست داشتم هر دو تیم صعود کنند.<sup>۱</sup> سرانجام جام ملتهای آسیا در کوالالامپور مالزی (۲۰۰۷) برگزار شد. تیم کره‌ی جنوبی در این بازی در ضربات پنالتی با نتیجه ۴ بر ۲ مقابل تیم ایران به پیروزی دست یافت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۲</sup> - گروه ورزش، ایران و کره‌ی جنوبی به دنبال نهمین پیروزی در سنول، جهان امروز، [www.jahannews.com](http://www.jahannews.com)، تهران، ۱۳۸۹/۶/۱۵

بیشتر وقتها به ویژه پس از ناکامی در رقابتهای بزرگ، تصمیمات احساسی بر مرور تاریخ و آزمون آزموده‌ها چیره می‌شود. یکی از این موضوعات، بحث مربی داخلی و خارجی است. افشین قطبی در این باره می‌گوید: «فوتبال ایران اگر می‌خواهد پیشرفت کند باید مربی‌ای بیاورد که شجاع و با تجربه باشد، خودش تصمیم بگیرد. او باید قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد. بعضی وقتها بعضی از فدراسیونها پس از جام جهانی نمی‌خواهند هزینه کنند و مربی بزرگ بیاورند. در آسیا مربیان باید «teacher coach» باشند. باید هر کشوری برای گزینش مربی ملی، دور اندیش باشد. کارکردن برای جام جهانی ۲۰۱۰ از ۲۰۰۸ شروع نمی‌شود و به زمان بیشتری نیاز دارد.»<sup>۱</sup>

افشین قطبی سرانجام در حالیکه تیم کره‌ی جنوبی را با همکاری دیگر مسؤولان این تیم به مقام سوم جام ملتهای آسیا (۲۰۰۷) رساند از این تیم بیرون آمد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۲</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

### ۳-۸- بی‌مهری برانکو ایوانکوویچ به افشین قطبی

برانکو ایوانکوویچ، سرمربی پیشین تیم ایران پیش از بازیهای جام جهانی ۲۰۰۶ با قطبی آشنا شد و در تماس تلفنی از او خواست تا رزومه‌ی شرح کار حرفه‌ای‌اش را برایش بفرستد. افشین که در آن زمان مربی کره‌ی جنوبی بود در این باره اظهار کرده است: «رزومه‌ی من مشکلی نداشت، آن را برای برانکو فرستادم اما او با من تماس نگرفت و در گفتگویی ادعا کرد که من را نمی‌شناسد! اگر هم از من برای حضور در تیم ملی ایران دعوت می‌شد باید نقش روشن و پررنگی به من پیشنهاد می‌شد تا آن نقش را می‌پذیرفتم.»<sup>۱</sup>



تصویر ۱۲. برانکو ایوانکوویچ (Branco Ivankovic) مربی کروات

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

# فصل چہارم

حضور روایاتی در پرسولیس



#### ۴-۱- ورود به پرسپولیس

زمانیکه افشین قطبی در تیم ملی کره‌ی جنوبی بود، این تیم در دو جام جهانی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ خوش درخشید و در یکی، چهارم جهان شد (جام جهانی ۲۰۰۲). همین امر کم‌کم افشین را به دست اندرکاران فوتبال ایران شناساند. او در این باره گفته است: «وقتیکه با تیم ملی کره‌ی جنوبی بودم یک تلفن به من شد که آقای حبیب کاشانی، مدیر جدید پرسپولیس و آقای حمید استیلی علاقه دارند با شما صحبت کنند و شما را به ایران بیاورند. من ۳۰ سال در ایران نبودم، پاسپورت ایرانی نداشتم و سال قبل از آن که با تیم کره‌ی جنوبی می‌خواستم به تهران بیایم به من اجازه‌ی ورود ندادند و من بازی را از دوی تماشای کردم. آن روز قلبم خیلی شکست چون می‌خواستم برگردم مادرم و کشورم را بعد از ۳۰ سال بینم. اما این صحبت‌های مسئولان پرسپولیس بار دیگر قلبم را گرم کرد.»



تصویر ۱۳. حبیب کاشانی، مدیر عامل باشگاه فرهنگی ورزشی پرسپولیس تهران



تصویر ۱۴. محمود خوردبین، سرپرست باشگاه فرهنگی ورزشی پرسپولیس تهران

افشین در ۱۸ مرداد سال ۱۳۸۶ در میان استقبال مردم به تهران برگشت. یکی از کسانی که به فرودگاه آمده بود مادرش بود. او در این زمینه گفته است: «وقتی بعد از ۳۰ سال مادرم را دیدم احساس عجیبی داشتم. ۳۰ سال دور بودن از یک نفر و جدایی از او خیلی سخت است. فکر می‌کنم این احساسات، بیشتر برای مادرم بود.» در فرودگاه تهران، مسؤلان باشگاه پرسپولیس و حبیب کاشانی، مدیر عامل وقت پرسپولیس، در استقبال از افشین سنگ تمام گذاشتند و این شروع همکاری افشین با سرخ پوشهای

پایتخت به عنوان سرمربی پرسپولیس بود.<sup>۱</sup>



تصویر ۱۵. حبیب کاشانی در حال استقبال از افشین قطبی

<sup>۱</sup> - فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷



#### ۴-۲- موفقیت در پرسپولیس

افشین در مورد نحوه‌ی عملکردش در پرسپولیس لیگ هفتم اظهار داشته است: «این فصل پرسپولیس یک فصل رؤیایی بود برای من و برای تمام مردم ایران. پرسپولیس فصل را با پیروزیهای بزرگ شروع کرد. من فکر می‌کنم ۱۸ بازی بدون باخت انجام دادیم. وسط هفته، ساعت ۴ بعدازظهر در ماه رمضان نود هزار نفر می‌آمدند به استادیوم آزادی تا بازی تیمهای راه آهن و پرسپولیس را نگاه کنند. این در تاریخ فوتبال ایران هیچوقت سابقه نداشته و من واقعاً به این مردم افتخار می‌کنم. این مردم ایران بودند که پرسپولیس را قهرمان لیگ هفتم ایران کردند.»

ماه عسل افشین قطبی با پرسپولیس تمام شد و حاشیه‌های پرسپولیس، مردی را که به خوشرویی معروف شده بود تحت تأثیر قرارداد. او در این زمینه ابراز داشته است: «ما در چند بازی در نیم فصل دوم نتیجه‌های خوبی نگرفتیم و به این ترتیب حاشیه‌ها زیادتر شد. یک بازی هم که همه‌ی ایرانیان می‌دانند بازی مقابل تیم استقلال اهواز بود که ما ۴ به ۱ در اهواز

باختیم و واقعاً برکناری من خیلی نزدیک شد و این حمایت مردم بود که در برنامه‌ی تلویزیونی پیامک گذاشتند که قطبی باید بماند و کارش را ادامه دهد. آقای کاشانی که خیلی باهوش و به نظر من سیاستمدار خیلی خوبی بود توانست مدیریت کند و محکم در کنار من بایستد که ما بتوانیم این تیم را قهرمان کنیم. من فکر می‌کنم که بازی مقابل تیم سپاهان در تهران، بزرگترین بازی در زندگی فوتبالی من بود. به خاطر اینکه دیداری بود که در آخرین لحظه توانستیم قهرمانی را کسب کنیم و میلیونها نفر را در ایران شاد کنیم و یک خاطره‌ی بزرگ برای فوتبال بجا بگذاریم. ما همه انتظار داشتیم. من واقعاً تا آخرین لحظه هیچوقت ناامید نشدم و یک ایمانی در قلب و مغزم بود و خیلی خوشحالم که به واقعیت تبدیل شد. احساسی است که اصلاً نمی‌شود با هیچ زبانی توضیح داد. من فکر کردم با قهرمانی پرسپولیس، بهترین موقع است که از این تیم جدا شوم و واقعاً ماندن در این تیم فضای سختی را برایم ایجاد می‌کرد به خاطر اینکه می‌دانستم انتظارات زیادتر خواهد بود. می‌دانستم اگر واقعاً بخواهم در این تیم کارم را ادامه

بدهم باید خیلی‌ها را برکنار کنم و برکناری آنها فقط موجب ایجاد دشمنی در لیگ برتر می‌شد. قلبش را نداشتم که خیلی‌ها را کنار بگذارم تا خودم بتوانم در تیم باقی بمانم.<sup>۱</sup>»



تصویر ۱۶. شادمانی هواداران افشین قطبی پس از قهرمانی پرسپولیس

#### ۴-۳- امپراتور در برابر نیمکتهای سرخ

همانطور که همه‌ی ایرانیان به خاطر دارند پس از پیروزی پرسپولیس بر سپاهان در انتهای فصل رؤیایی پرسپولیس، هواداران این تیم لقب «امپراتور» را برای افشین قطبی برگزیدند. اکنون پرسپولیس بالاخره پس از ۶ سال در لیگ هفتم به مقام قهرمانی لیگ برتر فوتبال ایران رسیده بود. هواداران سرخ این لقب را برای افشین برگزیدند چرا که فقط یک «امپراتور» می‌توانست پرسپولیس را سازمان بخشیده و نظم و دیسیپلین را بر آن جاری سازد. پس

<sup>۱</sup>- فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷

از قهرمانی پرسپولیس، افشین در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «پرسپولیس باشگاه من است و در قلبم جا دارد. اگر برای فصل بعدی با این تیم به توافق نرسم با هیچ تیم ایرانی دیگری مذاکره نخواهم کرد.<sup>۱</sup>» او همچنین در جایی دیگر ابراز داشت: «برخی از مربیان پرسپولیس فکر می‌کنند که بزرگتر از پرسپولیس هستند اما پرسپولیس از همه‌ی ما بزرگتر و مهم‌تر است. جای همه‌ی ما در پرسپولیس اجاره‌ای است؛ این اجاره ممکن است یک ماه یا یک سال باشد. وظیفه‌ی ما این است که در آن مدت وضعیت پرسپولیس را بهتر کنیم تا وقتی رفتیم، پرسپولیس بهتری برجا بماند.<sup>۲</sup>» افشین در مصاحبه‌ی دیگری در اواسط لیگ هفتم اظهار داشته بود: «من هر وقت کاری را قبول می‌کنم تا پایان آن تلاشم را می‌کنم. من اینجا آمده‌ام که با همکاری همه، تیم پرسپولیس را قهرمان کنیم و قهرمان هم خواهیم کرد... من اگر در پرسپولیس کار کنم دیگر نمی‌توانم در باشگاه دیگری فعالیت داشته باشم.

<sup>۱</sup>- گروه ورزشی حوزه‌ی فوتبال ایران، افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۸۷/۲/۲

<sup>۲</sup>- کاربرفعال بخش ورزش، جای همه‌ی ما در پرسپولیس اجاره‌ای است، [www.forum.niksalehi.com](http://www.forum.niksalehi.com)، تهران، ۱۳۸۷

بالتر از پرسپولیس تیمی نیست. در دو تیم دوست دارم کار کنم؛ پرسپولیس

و تیم ملی.<sup>۱</sup>»



تصویر ۱۷. افشین قطبی و حمید استیلی در حال حمل جام قهرمانی پرسپولیس

در مصاحبه‌ای از افشین پرسیده شده بود: «پس از علی پروین که از او در ورزشگاه‌ها با نام سلطان یاد می‌کردند دیگر طی این سالها هیچ مربی‌ای نتوانست به مانند شما در دل هواداران طرفدارترین تیم ایران (پرسپولیس) جایگاهی برای خود به دست آورد، اما طرفداران پرسپولیس از شما به عنوان «افشین امپراتور» یاد می‌کنند. دلیلش چه بود؟» افشین در پاسخ به این سؤال گفته است: «اولاً که هواداران متوجه شدند که من پس از سی سال به خاطر پول به ایران نیامدم و دلتنگی نسبت به سرزمین مادری باعث شد به ایران بیایم. من ایران و ایرانیان را دوست دارم و همچنین اخلاق و رفتارم طوری

<sup>۱</sup> - کاربر فعال بخش ورزش، جای همه‌ی ما در پرسپولیس اجاره‌ای است، [www.forum.niksalehi.com](http://www.forum.niksalehi.com)، تهران، ۱۳۸۷

بود که توانستم در دل هواداران جای بگیرم و دلیل آخرش هم نتایج موفقیت آمیز پرسپولیس و قهرمانی این تیم بود.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴- رفتن از پرسپولیس

افشین در لیگ هشتم تا میانه‌ی فصل به همکاری خود با پرسپولیس به عنوان سرمربی این تیم ادامه داد. او در این باره می‌گوید: «تلفن‌هایی به من شد که پرسپولیس تمام امکانات را خواهد داد و تمام همکاری که لازم است انجام خواهد شد تا من به پرسپولیس برگردم و این تیم را بتوانم قهرمان آسیا کنم و واقعاً می‌دانستم که کار من در فوتبال ایران تمام نشده بود. فکر کردم می‌توانم برگردم تا این انقلاب فوتبال را ادامه دهیم و واقعاً کمک کنیم یک چارچوب بهتری درست کنیم برای باشگاه‌های فوتبال ایران.»

آبان ماه ۱۳۸۷ افشین قطبی در میانه‌ی فصل، پرسپولیس را ترک کرده و به دوبی رفت. او در این باره اظهار می‌دارد: «بعد از بازی با تیم صبا باتری در تهران من رفتم در کنفرانس مطبوعاتی صحبت کردم. این بازی برای من

---

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

خیلی عجیب غریب بود. ما یک به صفر جلو بودیم بعد بازیکنان صبا باتری کرنری را جلوی دروازه‌ی ما سانتر می‌کنند، سانتری که یک متر بیشتر ارتفاع نداشت که از بین شش بازیکن پرسپولیس عبور می‌کند و به سربازیکن صبا باتری برخورد می‌کند و وارد دروازه‌ی ما می‌شود. بعد ما بازی را دو به یک می‌کنیم اما لحظات آخر بازی یک گل عجیب می‌خوریم که می‌توان هفت اشتباه را در این مورد شمرد. بلافاصله بعد از این بازی، اعتراضات بر علیه من و مسؤلان پرسپولیس زیاد شد و به این ترتیب من مجبور شدم پرسپولیس را ترک کنم. همان هفته جلسات طولانی با هیأت مدیره‌ی پرسپولیس داشتم. خیلی اشک ریختم. آن روزها خیلی ناراحت بودم چون نمی‌خواستم پرسپولیس را ترک کنم.»

افشین در پاسخ به این سؤال که فوتبال ایران را در مجموع چطور می‌بیند می‌گوید: «خیلی پررنگ هست، فوتبال ایران پر عشق است و فکر کنم بهترین فوتبالیستهای آسیا در ایران هستند و عاشق‌ترین هواداران دنیا در ایران هستند و این فوتبال، فوتبالی است که با مدیریت بهتر و با شفافیت و

صداقت بیشتر می‌تواند به اوج آسیا و دنیا برسد و آینده‌ی این فوتبال روشن هست به خاطر اینکه هوش و کیفیتی که در ایران هست من دوروبر دنیا خیلی کم دیده‌ام. فقط بیشتر باید از آن هوش و انرژی استفاده کنیم، به کارهای مثبت و آموزش و دانش فوتبال ایران اضافه کنیم و فوتبال ایران می‌تواند خیلی به ایران افتخار و ابهت بدهد.<sup>۱</sup>»

---

<sup>۱</sup> - فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطعی با شبکه‌ی فارسی، [www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷



# فصل پنجم

حضور در تیم ملی فوتبال ایران



## ۵-۱- انگیزه‌ی حضور در فوتبال ایران و تیم ملی

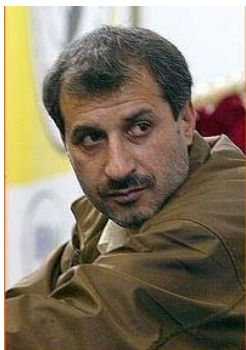
افشین در مورد انگیزه‌ی حضور خود در فوتبال ایران می‌گوید: «من دوستی ایرانی در لس‌آنجلس دارم که به فوتبال ایران علاقه‌ی زیادی دارد. او دائماً به من می‌گفت: «تو می‌توانی به فوتبال ایران کمک کنی. چرا به ایران نمی‌روی؟» از طرفی هرچه که سن آدم بیشتر می‌شود دوست دارد به وطنش بازگردد؛ به جایی که به دنیا آمده و دوست دارد پیش اقوامش برگردد. به هر حال جرقه‌ی اصلی را دوستم داریوش زد که تشویق کرد به ایران بیایم. همچنین دلم می‌خواست با توجه به تجربیاتم به ایران بیایم و از لحاظ سازماندهی به فوتبال ایران کمک کنم. امیدوارم که بتوانم چنین کاری را انجام دهم گرچه به زمان نیاز دارم. از روزی که به ایران آمدم خونم گرم شده، نفسم گرم شده، احساس مردم ایران را در هیچ جای دنیا نمی‌توانید ببینید؛ میوه‌های ایرانی، غذاهای ایرانی، دلم برای همه‌ی آنها تنگ شده بود.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطعی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

## ۵-۲- دعوت به تیم ملی فوتبال ایران

همانطور که در فصل گذشته گفته شد افشین در آبان ماه ۱۳۸۷ بنا به مشکلاتی پرسپولیس را در میانه‌ی نیم فصل اول لیگ هشتم ترک کرد و به دبی رفت. از طرفی ناکامی تیم ملی ایران در مراحل مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی باعث شد علی دایی، سرمربی تیم ملی ایران، برکنار شود (باخت دو به یک ایران در مقابل عربستان در تهران در فروردین ماه ۱۳۸۸). محمد مایلی کهن که سابقه‌ی حضور در تیم ملی ایران را هم در کارنامه داشت جایگزین آقای گل فوتبال جهان، علی دایی، شد اما فقط ۱۵ روز در این تیم ماندگار شد. مسائل جانبی در این مدت باعث گردید وی

استعفا دهد.



تصویر ۱۸. محمد مایلی کهن، سرمربی سابق تیم ملی ایران و کاپیتان اسبق پرسپولیس

سرانجام از بین نامزدهای هدایت تیم ملی، افشین قطبی با فدراسیون فوتبال به توافق رسید تا سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شود. بالاخره افشین پس از ۵ ماه مجدداً به ایران بازگشت و در فرودگاه تهران با استقبال مردم و مسئولین فدراسیون فوتبال روبرو شد. او در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ رسماً سرمربی تیم ملی فوتبال ایران گردید.<sup>۱</sup>

قطبی قبلاً در مصاحبه‌ای در مورد استعدادهای نهفته در ایران گفته بود: «حالا که به فوتبال ایران و به شهرستانهای کوچک که استعدادهای بزرگی در آنها نهفته است فکر می‌کنم، احساس می‌کنم تفکر درست و انگیزه‌ی درست را به این نوجوانان یاد نمی‌دهیم. کاش می‌شد در ایران هم مدارس بین‌المللی فوتبال تأسیس می‌شد که برای آینده‌ی فوتبال ایران مثمرتر باشد. ما باید مارکتینگ‌مان (بازاریابی‌مان) در فوتبال صحیح باشد. آمریکایی‌ها اگر در سالهای اخیر در قاره‌ی خودشان به مانند مکزیک، فوتبالشان یک سروگردن از دیگر کشورهای این قاره بالاتر رفت به خاطر

---

<sup>۱</sup> - گروه ورزشی حوزه‌ی فوتبال ایران، افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۸۸/۲/۲

سازماندهی درستشان بود. آنها به درستی برنامه‌ریزی کردند و نیروهای خوبی را به فوتبال تحویل دادند تا جایی که در جام جهانی ۲۰۰۲ تیم آمریکا جزو هشت تیم برتر دنیا شد یا در جام جهانی ۱۹۹۴ اگر با برزیل روبرو نمی‌شد شاید تا نیمه‌نهایی بالا می‌آمد در صورتیکه فوتبالیست‌های آمریکایی اصلاً مثل ایرانیان استعداد ندارند بلکه تنها فوتبال را علمی فراگرفته‌اند.<sup>۱</sup>

افشین قرار بود هدایت تیم ملی ایران را در سه دیدار با کره‌ی شمالی، امارات و کره‌ی جنوبی بر عهده بگیرد. تیم ملی ایران در ۱۶ خرداد ۱۳۸۸ در پیونگ یانگ با کره‌ی شمالی رو در رو شد و با نتیجه‌ی تساوی صفر - صفر بازی را به اتمام رساند. این تیم در ۲۰ خرداد ۱۳۸۸ در تهران میزبان تیم امارات بود که با نتیجه‌ی یک بر صفر بر تیم امارات پیروز شد. در ۲۷ خرداد ۱۳۸۸ تیم ایران به مصاف تیم کره‌ی جنوبی در سئول رفت که این

---

<sup>۱</sup> - گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطعی (افشین امیراتور، مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

بازی با تساوی یک - یک خاتمه یافت.<sup>۱</sup> به این ترتیب با وجود تلاشهای تحسین برانگیز افشین قطبی، تیم ایران از ۹ امتیاز این سه مسابقه، ۵ امتیاز را کسب کرد و در نهایت نتوانست به جام جهانی ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی راه یابد. بدون شک زمان بسیار کوتاهی که قطبی برای سازماندهی تیم ملی ایران در اختیار داشت به او این اجازه را نمی داد که نتایج درخشانی از این سه مسابقه بگیرد چرا که از دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ یعنی از لحظه ای که سرمربی تیم ایران شد تا شروع اولین مسابقه در ۱۶ خرداد ۱۳۸۸، فقط چهل و پنج روز وقت داشت تا به تیم ایران سروسامان بدهد.

### ۵-۳- آماده سازی تیم ایران برای جام ملتهای آسیا ۲۰۱۱

افشین قطبی به عنوان مربی با تفکر هجومی شناخته شده است. او در مصاحبه ای در ابتدای ورودش به پرسپولیس در مرداد ماه ۱۳۸۶ گفته بود: «رؤیای من این است، به این نیاز دارم و می خواهم که به ریشه ها، فرهنگ و کشورم بازگردم. می خواهم به ایران برگردم و به فوتبال کشورم کمک کنم.

<sup>۱</sup>- گروه ورزشی حوزه ی فوتبال ایران، افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۸۸/۲/۲

من معتقدم با استفاده از احساس و غریزه‌ی فوتبال ایرانی می‌توانیم از کیفیت تکنیکی و سرعت چرخش توپ آمریکای لاتین، سازماندهی تاکتیکی اروپایی و قدرت فوتبال آفریقا برای فوتبال ایران استفاده کنیم.<sup>۱</sup> با وجود راه نیافتن تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، فدراسیون فوتبال به تمدید قرارداد افشین قطبی تمایل نشان داد و به وی اعلام کرد که برنامه‌ی ۴ ساله‌ای را تدوین نماید. خود قطبی هم به تداوم همکاری با فدراسیون فوتبال ایران ابراز علاقه کرده و پس از بازگشت تیم ملی ایران از کره‌ی جنوبی همچنان در ایران حضور داشت. در برنامه‌ی ۴ ساله‌ی افشین قطبی بر همکاری و ارتباط بلند مدت با تیم‌های امید و جوانان به منظور پشتوانه سازی برای جام جهانی ۲۰۱۴، حضور قدرتمندانه در رقابت‌های جام ملتهای آسیا ۲۰۱۱ و مقدماتی المپیک لندن ۲۰۱۲ تأکید شده بود.<sup>۲</sup> لازم به توضیح است که دوره‌ی پانزدهم جام ملتهای آسیا در کشور

---

<sup>۱</sup>- رادمنش، مازیار، آن روز نمی‌دانستم گریه کنم یا هورا بکشم؟، بدون عنوان، [www.bedoneonvan.blogfa.com](http://www.bedoneonvan.blogfa.com)، تهران، ۱۳۸۶

<sup>۲</sup>- گروه ورزش، افشین قطبی برنامه‌ی ۴ ساله می‌دهد، خبرگزاری موج، [www.mojnews.com](http://www.mojnews.com)، تهران، ۱۳۸۸/۳/۳۱



قطر و از ۷ الی ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ با حضور ۱۶ تیم در نظر گرفته شد که یکی از اهداف مهم قطبی آماده‌سازی تیم ایران برای حضوری شایسته در این جام بود.

#### ۵-۴- پیروزیهای پی در پی شیران پارسی

سرانجام جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱ در شهر دوحه قطر برگزار شد و پیروزیهای چشمگیری را برای تیم ملی ایران با سرمربیگری افشین قطبی به همراه داشت. لازم به توضیح است که علیرضا منصوریان به عنوان مربی تیم ملی ایران، اصغر حاجیلو به عنوان سرپرست تیم ملی و کریم باقری به عنوان مشاور فنی، افشین قطبی را در جام ملت‌های آسیا یاری می‌کردند.



تصویر ۱۹. علیرضا منصوریان، مربی تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱



تصویر ۲۰. کریم باقری، مشاور فنی تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱



تصویر ۲۱. اصغر حاجیلو، سرپرست تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱

نتایج این مسابقات در جدولی به شرح ذیل، درج گردیده است.

جدول ۱: نتایج مسابقات تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱ دوحه قطر

شمسی میلادی	زمان مسابقه	زننده گل تیم ایران	نتایج مسابقات	ردیف
				۱
۱۳۸۹/۱۰/۲۱	۱/۱۱/۲۰۱۱	غلامرضا رضایی، ایمان مبعلی	ایران ۲، عراق ۱	۱
۱۳۸۹/۱۰/۲۵				
۱/۱۵/۲۰۱۱	۱/۱۹/۲۰۱۱	کریم انصاری فرد	ایران ۱، کره شمالی ۰	۲
۱۳۸۹/۱۰/۲۹				
۱/۱۹/۲۰۱۱	۱۳۸۹/۱۱/۲	آرش افشین، نوری، گل به خودی یار اماراتی	ایران ۳، امارات ۰	۳
۱/۲۲/۲۰۱۱				
۱۳۸۹/۱۱/۲	۱/۲۲/۲۰۱۱	—	ایران ۰، کره جنوبی ۱	۴
۱/۲۲/۲۰۱۱				

جدول ۲: نتایج بازیهای تدارکاتی تیم ملی ایران در قطر پیش از جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱

شمسی	زمان	نتایج مسابقات	ردیف
	مسابقه		
۱۳۸۹/۱۰/۷		ایران ۵ ، قطر ۵	۱
۱۲/۲۸/۲۰۱۰			
۱۳۸۹/۱۰/۸		ایران ۷ ، قطر ۵	۲
۱۲/۲۹/۲۰۱۰			
۱۳۸۹/۱۰/۱۲		ایران ۱ ، آنگولا ۵	۳
۱/۲/۲۰۱۱			

اما در مسابقه‌ی مقابل تیم کره‌ی جنوبی، تیم ایران با وجود شایستگی و تلاشهای درخور تحسین بازیکنان و مربیان، بازی را به کره‌ی جنوبی واگذار کرد و نتوانست به جمع تیمهای برتر پیوندد.



## فصل هشتم

بایگاه آفشین قطبی در جهان فوتبال



## ۶-۱- مروری اجمالی بر بازیگری و مربیگری

افشین قطبی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ در باشگاه‌های آلیتالیا، آتوبان، ولی ایگلز و فلایرز آمریکا بازی کرده و همانطور که قبلاً گفته شد تا سال ۱۹۹۷ در دانشگاه لس آنجلس بازیکن بوده و در همین زمان صاحب مدرک مربیگری حرفه‌ای A شد. او در تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی (۲۰۰۲ - ۲۰۰۰ به عنوان آنالیزور فوتبال)، سوون سامسونگ بلوینگز کره‌ی جنوبی (۲۰۰۴ - ۲۰۰۲ به عنوان کمک مربی)، لس آنجلس گالکسی (۲۰۰۴ به عنوان کمک مربی)، تیم ملی فوتبال کره‌ی جنوبی (۲۰۰۷ - ۲۰۰۴ به عنوان کمک مربی) و پرسپولیس (۲۰۰۸-۲۰۰۷ به عنوان سرمربی) فعالیت کرده است. وی در دوران سرمربیگری گاس هیدینک، دیک ادوکات و پیم وریک در تیم ملی کره‌ی جنوبی کمک مربی بوده است.<sup>۱</sup> افشین همچنین به عنوان مشاور فنی تیم‌هایی مانند آژاکس آمستردام هلند، گالکسی لس آنجلس آمریکا، اومیا آردیجای ژاپن، KFA کره‌ی جنوبی و انجمن فوتبال چین کار کرده

<sup>۱</sup> - گروه ورزشی حوزه‌ی فوتبال ایران، افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۸۸/۲/۲

است.<sup>۱</sup> بطوریکه گفته شد افشین در سال ۱۹۸۸ یک مدرسه‌ی بین‌المللی فوتبال تحت عنوان «مدرسه‌ی فوتبال افشین قطبی (AGSS)» در لس آنجلس آمریکا تأسیس کرد که به مدت ۱۴ سال در این مدرسه به تربیت بازیکنان معروفی همچون جان اوبراین، بازیکن تیم آژاکس، می‌پرداخت. اما سرانجام به دلیل پیوستن افشین به تیم ملی کره‌ی جنوبی این مدرسه در سال ۲۰۰۲ تعطیل شد. افشین در این مدرسه با «بورا میلوتینوویچ» مربی سرشناس یوگسلاو (صرب) آشنا شد. او از بورا که بعداً دوست مهم دوران زندگی‌اش شد در این مدرسه برای آموزش نوجوانان استفاده می‌کرد. آنها هر سال فوتبال‌بالیست‌های جوان این مدرسه را برای بازیهای دوستانه و آشنایی با فوتبال اروپا به کشورهای مختلف اروپایی می‌بردند. این مدرسه همچنین از مربیانی مانند پیم وریک، گاس هیدینک و استیوسمپسون استفاده می‌کرد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷



افشین در مورد مدرسه‌اش گفته است: «زمانیکه در مدرسه‌ی فوتبالم مشغول آموزش بچه‌ها بودم بورا میلوتینوویچ سرمربی تیم ملی آمریکا بود. او به مدرسه‌ی فوتبال من آمد و از نزدیک روش کارم را دید. آن زمان کارهایی می‌کردم که کمتر کسی انجام می‌داد. به عنوان نمونه، بازیکنانم را به تورهای اروپایی به ویژه هلند می‌بردم. در این تورهای اروپایی آنها با تیم‌های بزرگی بازی می‌کردند و با سطح اول فوتبال آشنا می‌شدند. ما توانستیم بنفیکا را ببریم. فاینورد را شکست بدهیم و از آژاکس دو تساوی بگیریم.» مدرسه‌ی فوتبال افشین قطبی (AGSS) هم اکنون در لس آنجلس با عنوان مدرسه‌ی فوتبال جهانی آمریکایی (American Global Soccer School) فعالیت می‌کند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

## ۶-۲- استفاده از مدلسازی و آنالیز آماری در فوتبال

اگر فوتبال ملی در جهان در دهه‌ی هفتاد و هشتاد در دست مربیان با تجربه و سرشناس بود باید پذیرفت، نسل جدید این حرفه همچون افشین قطبی که آنالیز و آمار فوتبال را آموخته و از تئوریسین‌های بزرگ شرق اروپا تأثیر پذیرفته‌اند به تدریج جای آن گروه از مربیان را گرفته‌اند. فوتبال ایران باید از این بابت به خود ببالد که افشین قطبی را به عنوان یکی از پیشگامان این نسل به فوتبال جهان معرفی کرده است. اگر تا دیروز علی دایی، وحید هاشمیان و مهدی مهدوی‌کیا سفیران آبرومند ایران در کلاس نخست بازیکنان جهان بودند اکنون قطبی هم با وجود اینکه سه دهه از زادگاهش دور بوده، با ملیت ایرانی یکی از شناخته شده‌ترین مربیان در آسیا، آمریکا و حتی جهان است.

استیوسمپسون یکی از اولین مربیانی بود که از کامپیوتر و تکنولوژی جدید برای ارتقای آموزش و مدلسازی برای برنامه ریزی در مسابقات حرفه‌ای استفاده کرد. افشین قطبی بعدها در رهبری تیم ملی کره‌ی جنوبی از این

تکنیک استفاده کرد.<sup>۱</sup> شاید در آن زمان کمتر مربی، دانش فوتبال و ارتباط تنگاتنگش را با فناوری می‌پذیرفت. پدیده‌ای که بی‌تردید افشین یکی از پیشگامانش است. افشین در رابطه با این تجربه‌اش گفته است: «برای یک شرکت نوژی کارهای تحلیلی و آماری فوتبال را انجام می‌دادم. مریمان بزرگی به آنجا سر می‌زدند. بعضی از ایده‌هایم را در این شرکت پیاده می‌کردم. همچنین در سال ۱۹۹۷ در تیم ملی آمریکا از فناوری مدرن و کامپیوتر استفاده کردم تا بازیکنان بهتر شوند. با استفاده از این شیوه می‌توانستم با ابزار نوین، یک ساعت بازی را در ده دقیقه خلاصه کنم و نشان بدهم یک تیم چگونه بازی می‌کند.»<sup>۲</sup>

همانطور که گفته شد افشین تحلیل‌گر فنی گاس هیدینک در تیم کره‌ی جنوبی در جام جهانی ۲۰۰۲ بود. قطبی در مورد کارش در جام جهانی ۲۰۰۲ گفته است: «در جام جهانی ۲۰۰۲ من مدل تاکتیکی همه‌ی تیم‌های

---

<sup>۱</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

گروه را در کامپیوتر ساختم و از این طریق، تیم و گروه مربیان را هدایت می‌کردم.» افشین از ارزش‌ها و مفاهیم علمی در مربیگری استفاده می‌کند. بدین ترتیب تیم کره‌ی جنوبی موفق شد، تیم چهارم جام جهانی ۲۰۰۲ شود.<sup>۱</sup>

### ۶-۳- نگاه افشین قطبی به طبقه بندی مربیان

برای تعریف و طبقه بندی مربیان نقطه نظرات متفاوتی وجود دارد که این موضوع به نوع رابطه‌ی شخص با فوتبال بر می‌گردد. رسانه ها و هواداران، چهره ها یا بهتر بگوییم بت‌های فوتبالی را می‌پسندند که روی نیمکت بنشینند. اگر دونگا یا کلینزمن هدایت پرافتخارترین تیم‌های تاریخ را برعهده می‌گیرند باکی نیست چرا که قهرمانان ملی کشورشان به حساب می‌آیند و شاید بیشتر اوقات خرده گرفتن از آنها به دایره‌ی روزنامه ها یا کارشناسان محدود شود. قطبی هم برای طبقه بندی مربیان نگاه خودش را دارد. او می‌گوید: «کلینزمن و دونگا مربیان مشهوری هستند و برای همین بسیار سریع

<sup>۱</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.fcpersepolis.ir](http://www.fcpersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

پذیرفته می‌شوند. اما «ژوزه مورینیو» و «سون گوران اریکسون» کار دشوارتری دارند. آنها باید از ابتدا و آرام آرام پیروز و بزرگ شوند. فکر می‌کنم مربیگری علم است. تنها تکیه به این نکته که روزی بازیکن بزرگی بودی کافی نیست. حرفه‌ی مربیگری استعدادهای بزرگی می‌خواهد. آلمان در جام جهانی ۲۰۰۶ سوم شد. باید پذیرفت که در کنار کلینزمن، سرمربی تیم آلمان، مربیان بزرگی قرار داشتند. من می‌کوشم تا بیشتر از این تجربه بیاندوزم و به آرامی خودم را بالا بیاورم. به من می‌گویند: «افشین! تو با اسکولاری و هیدینک خیلی فاصله داری.» اما آنها باید بدانند هیدینک نزدیک به شصت سال سن دارد. از اسکولاری هم سن و سالی گذشته. باید پرسید آنها هنگامی که چهل و سه ساله بودند چکار می‌کردند؟ تقریباً بیست سال حرفه‌ام در فوتبال بوده، دوست دارم مربی بزرگی شوم. کارم را بسیار دوست دارم. جوان که بودم دوست داشتم بهترین بازیکن فوتبال شوم. اکنون که مربی هستم می‌خواهم بهترین مربی شوم.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطعی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

### ۶-۴- درس مربی معلمی (Teacher Coach) قطبی به گاس هیدینک

کارکردن در آسیا برای هیدینک و دستیارانش بسیار دشوار بود چرا که دیگر با ستاره ها سروکار نداشتند. این دشواری به اندازه‌ای بود که مرد سختکوش و سرزنده‌ای مانند گاس هیدینک را به مرز ناامیدی کشاند. اما دستیار ایرانی‌اش (افشین قطبی)، اینچنین امید را به یکی از با شخصیت‌ترین مربیان جهان تزریق کرد؛ افشین می‌گوید: «سال اول کارمان بسیار سخت بود. هیدینک که زمانی با بازیکنان بزرگ کار می‌کرد اکنون باید با بازیکنان معمولی و حتی پایین‌تر از آن، کار می‌کرد. در جام کنفدراسیون که پنج بر صفر به فرانسه باختیم، بسیار ناامید شد. با هم خیلی حرف زدیم. به او گفتم: «گاس! تو مربی معمولی نیستی تو باید Teacher Coach (مربی معلم) باشی، باید یاد بدهی و سطح بازیکنان و بازی را بالا ببری، این هنر حقیقی مربی است.» گاس به خوبی از کسانی که دورش بودند استفاده می‌کرد تا هر روز تیم را درست کند. شرایط عالی در تیم وجود داشت.

می‌دانید که در آسیا چه جوی وجود دارد، بازیکنان جوان نمی‌توانند حرف بزنند. بازیکنان بزرگ با توجه به جایگاهشان حق بیشتری دارند اما هیدینک بی‌درنگ شرایط و جو تیم ملی کره‌ی جنوبی را تغییر داد.<sup>۱</sup> لازم به توضیح است که بیشترین تأثیر را بر افشین قطبی، بورا میلوتینوویچ داشته است. کوآدریانز (سرمربی سابق پورتو) و گاس هیدینک (سرمربی کره‌ی جنوبی در سال ۲۰۰۲) نیز در پرورش فکری قطبی تأثیر ویژه‌ای داشته‌اند.<sup>۲</sup>

### ۶-۵- دعوت به کادر فنی تیم ملی آلمان

یکی از تیم‌های بزرگ اروپایی که افشین به آن دعوت شد، تیم ملی آلمان بود. قطبی در این باره می‌گوید: «در آمریکا با یورگن کلینزمن، سرمربی تیم ملی آلمان، ملاقات کردم. او خیلی علاقه داشت تا به آلمان بروم و به تیم ملی آلمان کمک کنم. اما شرایط سیاسی و اجتماعی در آلمان به گونه‌ای

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۲</sup> - آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷

نیست که مربیان خارجی مانند آمریکایی‌ها یا ایرانی‌ها بتوانند در آن کار کنند.<sup>۱</sup>



تصویر ۲۲. یورگن کلینزمن (Jurgen Klinsmann) بازیکن و مربی آلمانی

#### ۶-۶- پیوستن به باشگاه شیمیزواس پالس ژاپن

افشین قطبی پس از جام ملتهای آسیا ۲۰۱۱ قطر از تیم ملی ایران جدا شد و به باشگاه شیمیزواس پالس در جی لیگ ژاپن پیوست. تیم باشگاه مزبور از تیمهای حاضر در لیگ برتر ژاپن بوده که قطبی قراردادی سه ساله را با این باشگاه به عنوان سرمربی تیم به امضا رساند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایستا با افشین قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

<sup>۲</sup> - خبرگزاری مهر، جزئیات قرارداد افشین قطبی با باشگاه شیمیزواس پالس ژاپن، [www.mehmews.com](http://www.mehmews.com)، تهران، ۱۳۸۹/۹/۱۸



## ۶-۷- خلاصه‌ی سوابق کاری افشین قطبی

- تحصیلات: مدرک حرفه‌ای مربیگری A به شماره ۳۹۲۶ از USSF،

مهندسی برق از دانشگاه کالیفرنیا (UCLA)

- زبان های تحت تسلط: انگلیسی، فارسی، اسپانیایی

- تجربیات مربیگری:

- آوریل ۲۰۰۹ تا ژانویه ۲۰۱۱ تیم ملی ایران - سرمربی

- مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۰

- مسابقات انتخابی جام ملت های آسیا ۲۰۱۱

- آگوست ۲۰۰۷ تا نوامبر ۲۰۰۸ باشگاه پرسپولیس - سرمربی

- لیگ برتر ایران

- جام حذفی ۲۰۰۷-۲۰۰۸

- مربی برتر سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

- اکتبر ۲۰۰۵ تا آگوست ۲۰۰۷ تیم ملی کره جنوبی - کمک مربی

- جام جهانی ۲۰۰۶

- مسابقات انتخابی جام ملتهای آسیا ۲۰۰۶
- بازیهای آسیایی (مقام چهارم)
- مسابقات انتخابی المپیک ۲۰۰۷
- جام ملتهای آسیا ۲۰۰۷ (مقام سوم)
- سپتامبر ۲۰۰۴ تا سپتامبر ۲۰۰۵ باشگاه لس آنجلس گالکسی - کمک مربی
- لیگ فوتبال آمریکا (MLS)
- جام باشگاه های آمریکا 2005 US OPEN
- جام حذفی 2005 MLS
- آگوست ۲۰۰۲ تا آگوست ۲۰۰۴ باشگاه سامسونگ بلوینگز - کمک مربی
- لیگ باشگاه های کره - کی لیگ
- جام اتحادیه ی باشگاه ها ۲۰۰۲
- ژانویه ۲۰۰۱ تا جولای ۲۰۰۲ تیم ملی کره جنوبی - آنالیزور
- تورنمنت های بین المللی:
- جام کنفدراسیون های ۲۰۰۱، گلد کاپ ۲۰۰۲، جام جهانی ۲۰۰۲ (مقام چهارم)

– دسامبر ۱۹۹۷ تا آگوست ۱۹۹۸ تیم ملی آمریکا - جام جهانی ۱۹۹۸

– مدیر فنی / سرمربی:

– مدرسه فوتبال جهانی آمریکا (AGSS)

– سرمربی برتر سال ۲۰۰۲ NIKE BOYS

– پیشرفت دهنده‌ی بازیکنانی چون جان اوبراین (تیم ملی آمریکا و آژاکس

آمستردام)، پیترو واگناس (تیم ملی امید آمریکا و لس آنجلس گالکسی)،

دیوید جانسون (تیم ملی زیر ۱۷ سال آمریکا و باشگاه ویلم ۲)، سزار

آلوارادو، جوی دیجیارینو (تیم ملی آمریکا و باشگاه لورکوزن) و مارکوس

دیویدسون (اومیا آردیجای ژاپن)

– مشاور فوتبال:

– آژاکس آمستردام (هلند)

– ویلم ۲ (هلند)

– اومیا آردیجا (ژاپن)

– لس آنجلس گالکسی MLS (آمریکا)

– نرم افزار بین المللی MASTER COACH

– نرم افزار بین المللی SPORTSTEC

– برنامه‌ی آموزشی «مربیگری فوتبال آمریکا»

– KFA (کره جنوبی)

– موسسه فوتبال چین (بورا میلوتینوویچ)

– سرمربی:

– عقاب های دره (Valley Eagles USISL)

– دبیرستان La کانادا

– دوره بازیگری:

– UCLA (آمریکا)

– آلیتالیا، آتوبان، ولی ایگلز، فلایرز (آمریکا)<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - وبسایت رسمی افشین قطبی، بیوگرافی، [www.afshinghotbi.com](http://www.afshinghotbi.com)، ۱۳۸۹/۱۱/۸

فصل ہفتم

ہمسرا نشین قطبی



## ۷-۱- درباره‌ی همسر افشین قطبی

افشین قطبی متأهل بوده و صاحب دو دختر در لس آنجلس است. همسر افشین، خانم «یوروم بیک من» (Yorum Beekman) دو رگه‌ای هلندی - کره‌ای می‌باشد. او در این باره می‌گوید: «من در ۱۷ مه سال ۱۹۸۱ در سئول (کره‌ی جنوبی) متولد شدم و پس از شش ماه زندگی در یکی از تیم خانه‌های مرکز خدمات اجتماعی کره‌ی جنوبی توسط خانواده‌ای هلندی به فرزند خواندگی پذیرفته شدم و زندگی را در آمستردام هلند ادامه دادم. مادرم هلندی و پدرم اهل کره‌ی شمالی بود. اولین سفر مجدد من به کره‌ی جنوبی در سن ۱۸ سالگی بود که برای حدود یک‌سال و نیم به کره‌ی جنوبی رفتم و مجدداً به هلند بازگشتم. سفر دیگر من به کره‌ی جنوبی مدتی بعد بود و سرانجام پس از فارغ‌التحصیل شدن در رشته‌ی مطالعات کره در سال ۲۰۰۶ به سفارت هلند در سئول رفتم و در آنجا در قسمت اقتصادی و امور مرتبط به کره‌ی شمالی مشغول به کار شدم. در این بخش در خصوص عمده مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کره‌ی شمالی کار می‌کردم تا

اینکه در سال ۲۰۰۷ همراه سفیر هلند در سئول که همزمان هم سفیر هلند در پیونگ یانگ بود راهی کره‌ی شمالی شدیم. من و سفیر هلند، آقای «هانس هاینس بروک» ابتدا از سئول به پکن رفتیم و از آنجا با قطار راهی پیونگ یانگ شدیم که ۲۴ ساعت طول کشید تا به مرکز کره‌ی شمالی رسیدیم. دو نفر از وزارت خارجه‌ی کره‌ی شمالی به سراغ ما آمدند که در تمام ۵ روز با ما بودند. هر خارجی که به کره‌ی شمالی می‌آید یکی از این مراقب‌ها با او هست. تمام برنامه‌های ما را این دو نفر تنظیم می‌کردند. در آنجا عکاسی کردم. از برخی مناطق با اجازه‌ی دولت می‌شود عکس انداخت. مراقبان به ما می‌گفتند از کجاها می‌توان عکاسی کرد. البته در مسیر و سوار بر قطار به صورت مخفیانه عکاسی کردم که در کتابی که تألیف کردم این عکسها را درج نموده‌ام. اسم این کتاب «در دژ رهبر بزرگ» است که به زبان هلندی آن را نوشته و در سال ۲۰۰۷ آن را چاپ کردم.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - روزنامه‌ی تهران امروز، کره‌ی شمالی به روایت همسر افشین قطبی، سایت خبری تحلیلی وطن، [www.watan.ir](http://www.watan.ir)، تهران، ۱۳۸۹/۳/۲۹



## ۷-۲- نقاشیهای یوروم بیک من

همسر افشین، یوروم بیک من، در اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ نمایشگاهی را که حاوی نقاشی‌هایش از فوتبال تیم‌های استقلال و پرسپولیس بود در محل دفتر تصویرگران پویا اندیش در تهران برگزار کرد. در نمایشگاه مزبور مصاحبه‌ای در خصوص این نقاشی‌ها با خانم بیک من صورت گرفت که در اینجا قسمتی از این مصاحبه آورده شده است:

– به نظر می‌رسد که به فوتبال علاقه‌ی ویژه‌ای دارید که آن را به عنوان موضوع نقاشی‌هایتان انتخاب کرده‌اید؟

■ بله، من از بچگی فوتبال را دوست داشتم؛ البته علاقه‌ی من به فوتبال به مراتب کمتر از افشین است. اما از همان دوران کودکی که همراه خانواده‌ام در هلند بودم طرفدار تیم آژاکس بودم. در چند سال اخیر هم که همراه افشین در کره‌ی جنوبی بودیم تقریباً تمام سفرها را همراه تیم ملی کره‌ی جنوبی می‌رفتم.

– چطور شد که تصمیم گرفتید از فوتبال نقاشی کنید؟

■ علاقه‌ی من به نقاشی مربوط به سالهای قبل است. من از ۱۱ سالگی نقاشی کردن را شروع کردم و نقاشی را به عنوان یک رشته در دبیرستان و دانشگاه دنبال کردم. تا پیش از این، بیشتر کارهای من موضوعات مختلفی مثل نقاشی چهره و موضوعات اجتماعی بود اما این اولین بار است که تصمیم گرفتم ورزش را به عنوان موضوع نقاشی‌هایم انتخاب کنم. تقریباً بعد از بازی دور رفت استقلال و پرسپولیس بود که تصمیم گرفتم فوتبال را نقاشی کنم. فکر کردم می‌توانم هیجان تماشاگران فراوان علاقه‌مند به دو تیم را نشان دهم. خواستم یک کار جدید انجام دهم.

— شما تا بحال در ایران، چنین نمایشگاهی دیده اید؟

■ در ایران اکثر نمایشگاه‌های ورزشی مربوط به رشته‌ی عکاسی است و خود من به شخصه کمتر در رابطه با نمایشگاه نقاشی شنیده‌ام. خوشحالم که کاری نو انجام داده‌ام.

– معمولاً هنر کشورهای شرق تحت تأثیر سبک‌های چینی مثل یوآن، سونک، مینگ و چینگ یا سبک‌های ژاپنی و چایی کابوکی است، شما چقدر با این سبک‌ها آشنایی دارید؟

■ من با این سبک‌ها آشنا هستم اما من که چینی یا ژاپنی نیستم! ضمن اینکه بیشتر کارهای من تحت تأثیر سبک‌های مدرن است.

– از نقاشی‌های شما معلوم است که علاقه‌ی ویژه‌ای به سبک امپرسیون دارید، چون بیشتر کارهای شما با رنگ و نور است و شبیه‌سازی کمتری در آن دیده می‌شود.

■ دقیقاً کارهای من در سبک امپرسیون است اما سعی کردم تا شبیه‌سازی چهره‌ها را هم تا حدودی رعایت کنم چون نقاشی‌های من از روی عکس‌های آقای ریاضتی کشیده شده است.

– آیا معیاری هم برای انتخاب چهره‌هایی که از آن نقاشی کردید، داشتید؟ چون چهره‌هایی مثل کریم باقری، آقای و نیکبخت بیشتر از همه به چشم می‌آیند.

■ به نظر من کریم باقری چهره‌ی بسیار خوبی است، برای اینکه می‌تواند مدل نقاشی باشد. برای همین در بیشتر کارهای من تصویر او را می‌بینید.

— برای هر کدام از این کارها چقدر زمان گذاشتید؟

■ همانطور که می‌دانید در چنین سبک‌هایی بیشتر حسی که نقاشی به بیننده منتقل می‌کند مهم است نه فرصتی که برای نمایش ریزه‌کاری‌ها می‌گذارد. برای همین من تلاش کردم تا حسی را که از عکس‌ها و صحنه‌های فوتبال داشتم نقاشی کنم. دوست داشتم تا نقاشی‌هایم بتواند هیجان تماشاگران را در پس زمینه و حرکت را که قانون فوتبال است، نشان دهد.

— برای کشیدن بازیکنان، شناختی هم از آنها داشتید؟

■ نه، به غیر از افشین شناخت خاصی از بقیه‌ی سوژه‌هایم نداشتم و بیشتر عکس‌های آنها برایم ملاک بود.

— آقای قطبی هم در کشیدن نقاشی‌ها به شما کمک می‌کند؟

■ نه، اما وقتی من نقاشی می‌کشم استقبال می‌کند.

— شما چقدر در مورد فوتبال و مسائل فنی پرسپولیس اظهار نظر می‌کنید؟

■ خیلی زیاد، معمولاً بعد از هر بازی ساعتها در مورد فوتبال با هم صحبت می‌کنیم. چون من خیلی فوتبال دوست هستم. فکر می‌کنم فوتبال را به اندازه‌ای که بتوانم در مورد مسائل فنی آن صحبت کنم، می‌فهمم.

– خودتان هم طرفدار پرسپولیس هستید؟

■ من نظر خاصی ندارم! بیشتر به خاطر اینکه افشین در پرسپولیس است، این تیم را دوست دارم.

– پس از نگاه کردن به کارهایتان یک حس شادی در بیننده به وجود می‌آید. چرا؟

■ فکر می‌کنم کسی که برای تماشای فوتبال می‌رود در هر صورت دنبال پیروزی تیمش است و هیجانانگیز تماشاگران، فضا را شاد می‌کند.

– فکر می‌کنید زندگی کردن یک هنرمند در کنار یک فوتبالیست چگونه باشد؟

■ می‌دانم، شاید هنر و فوتبال هیچ تشابهی به هم نداشته باشند! اما علاقه‌ی من به فوتبال مربوط به دوران کودکی و پیش از آنکه روبه نقاشی بیاورم

بوده است و باعث شده که ما تفاهم بیشتری داشته باشیم چون من از بچگی علاقه‌ی ویژه‌ای به تیم آژاکس داشتم. بازیکن محبوبم هم «دنیس برگ کمپ» است.

– انتظار این تعداد بازدید کننده را داشتید؟

■ نه، اصلاً فکر نمی‌کردم که این تعداد برای تماشای کارهایم بیایند.

– در پس زمینه‌ی بعضی از کارهایتان تلاش کرده‌اید تا تبلیغات را با خط ایرانی بنویسید. با زبان ایرانی هم آشنا هستید؟

■ در مورد تبلیغات سعی کردم تا عین خط‌ها را ننویسم که تبلیغ نشود اما کاری کردم تا خط‌ها به فارسی نزدیک باشد. زبان فارسی را هم تاحدی متوجه می‌شوم اما بیشتر به زبان هلندی و انگلیسی مسلط هستم. تاحدودی آلمانی را می‌فهمم، کره‌ای هم که زبان مادری‌ام است.

– تفاوت زیادی میان نقاشی شما از افشین قطبی و فیروز کریمی وجود دارد،

چرا؟

■ چون افشین خیلی آدم آرامی است. اما فیروز کریمی خیلی مربی پرهیجان و با احساسی است و معمولاً کنار خط با بازیکنانش صحبت می کند.

— در یکی از نقاشی های شما ناصر حجازی و افشین قطبی، لب خط مشغول صحبت کردن با بازیکنانشان هستند. نظر شما در مورد ناصر حجازی چیست؟

■ ناصر حجازی یک جنتلمن واقعی است. من خیلی از رفتار او خوشم می آید و در دور رفت از اینکه او مربی تیم حریف ما بود خوشحال بودم.

— به نظر می رسد که برای به تصویر کشیدن افشین قطبی وقت بیشتری گذاشته اید. درسته؟

■ خیلی ها این حرف را به من زده اند. به هر حال سعی کردم که افشین را با توجه به شناختی که از او دارم و با توجه به روحیاتش به تصویر بکشم.

— روی این تابلو چقدر قیمت گذاشتید؟

■ ۲۰۰۰ یورو

– با توجه به اینکه این تصویر همسران است شاید بهتر بود قیمت بیشتری روی آن بگذارید. درسته؟

■ شاید، اما من براساس طرح‌هایم قیمت گذاشته‌ام. تصویر فیروز کریمی هم همین قیمت است. اما از اینکه فکر می‌کنم کسی تصویر افشین را بخرد و دائماً به آن نگاه کند، احساس خوبی ندارم!



تصویر ۲۳. افشین قطبی و همسرش، یوروم بیک‌من (Yorum Beekman)



## فصل هشتم

شخصیت منحصر به فرد انشین قطبی



### ۸-۱- انگیزه‌ی نگارش این کتاب

بدون شك عامل و انگیزه‌ی اصلی نگارش این کتاب چیزی جز «شخصیت متین و آرام افشین قطبی» نبوده است و عوامل دیگری که به ویژگیهای فنی این مربی توانا برمی‌گردد در جایگاه دوم مدنظر بوده‌اند. زمانیکه دانشجوی بودم همیشه سعی می‌کردم واحدهای درسی‌ام را با اساتیدی اخذ کنم که خوش برخورد بوده و وجدان کاری را در زمینه‌ی آموزش و ارزشیابی رعایت کنند. من اساتیدی را می‌دیدم که وقتی دانشجویان به آنها سلام می‌کردند، آنها نگاه تحقیرآمیزی به دانشجویان انداخته و در مؤدبانه‌ترین حالت، سلام را با تکان دادن سر جواب می‌دادند!

در کنار این اساتید منفور، من اساتیدی داشتم که مهربان، با اخلاق و شدیداً پایبند به ارزشهای انسانی بوده‌اند؛ آن هم نه در مقام لفظ و شعار بلکه در عمل. در ادامه‌ی مطالب، قصد بر این است که این موضوع به طور مبسوط شکافته شده و شخصیت افشین قطبی بیشتر مورد بحث قرار گیرد.

## ۸-۲- نظر هواداران

یکی از هواداران افشین قطبی به نام «مهدی امیرپور» بحث جالبی را با عنوان «نگاهی جامعه شناسانه به محبوبیت عجیب قطبی در فوتبال ایران» مطرح کرده که در اینجا خلاصه‌ای از آن آورده شده است:

در کلاس های آموزش مدیریت، استادان یک بحث جذاب را با یک تست عجیب باز می کنند: «اگر شما برای تعمیر کفستان دنبال کفاشی باشید، کفاش بد اخلاقی را انتخاب می کنید که حساسی در کارش استاد است یا کفاش خوش اخلاقی را که ناشی است؟» این بحث جذاب دست آخر ختم می شود به اینکه حتی اگر همه بدانند کفاش بد اخلاق کفشی را بهتر تعمیر می کند اما باز هم گرایش زیادی به سپردن کفش به کفاش خوش اخلاق دارند. کفاشی که قطعاً در کارش به قدر کفاش بد اخلاق مهارت ندارد. اینها داستانها و اتفاقاتی است که در فوتبال ایران آن را به «انقلاب تاکتیکی» تعبیر می کنیم. در فوتبال ایران همیشه گرایشی به سمت کفاشهای خوش اخلاق وجود داشته است. اصلاً کار سختی نیست که کفاشهای خوش اخلاق

فوتبال‌مان را لیست کنیم، آن هم بدون صدور حکم اینکه آنها «کاربلد» بودند یا «ناشی». «میروسلاو بلاژیچ»، «مصطفی دنیزلی»، «مجید جلالی» و حتی «فیروز کریمی» به خاطر رفتارشان جایگاه خوبی بین تماشاگران فوتبال پیدا کردند. بحث آنالیز فنی آنها را فعلاً کنار بگذارید یا اصلاً بروید سراغ اینکه آنها با همین «خصوصیات فنی»، «خصوصیات اخلاقی» فعلی شان را نداشتند. تصور کنید «بلاژیچ» بدون فن بیان، «فیروز کریمی» بدون حس طنز پردازی، «مصطفی دنیزلی» بدون شوخ طبعی و «مجید جلالی» را بدون رفتار مؤدبانه‌اش. تصور کنید کسی را با کارنامه‌ی فنی «مجید جلالی» اما نه با اخلاق پسندیده‌ی جلالی. آیا او در بین تماشاگران فوتبال به محبوبیت می‌رسید؟ از سوی دیگر هم می‌توان «برانکو ایوانکوویچ» و «ادواردو نلووینگادا» را در لیست کفاهای بداخلاق قرار داد. سرمربیانی که آنها هم اگر «بداخلاق» شان را کنار می‌گذاشتند بین مردم به محبوبیت می‌رسیدند. شاید اصلاً «برانکو ایوانکوویچ» بهترین گزینه برای این بحث باشد: کسی که توانایی تبدیل شدن به یک «قهرمان» را در ایران داشت ولی دست آخر در

قامت یک «ضدقهرمان» از ایران رفت. با این مقدمه چینی بلند می‌رسیم به «افشین قطبی» سرمربی سابق پرسپولیس که پس از گذراندن یک فصل دراماتیک با قرمزها، «قهرمان» تماشاگران سرخ است. اما بحث اینجا است که «قهرمان» پرسپولیس، سرمربی خوبی است یا او هم به خاطر گرایش همیشگی ما به کفاشهای خوش اخلاق به کسوت یک «قهرمان» درآمده؟ از روزی که او در ایران کارش را آغاز کرد، منتقدانی بودند که قطبی را یک سرمربی توانا به حساب نمی‌آوردند. آنها از گذشته‌ی قطبی کد می‌آوردند که در تیم ملی کره‌ی جنوبی «ویدئو تکنسین» بوده و آنالیز خودش را روی فیلم رقیبان کره‌ی جنوبی به گاس هیدینک و پس از او به دیک ادوکات می‌داد. کسی که در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷ وقتی خبرنگاران ایرانی برای مصاحبه با قطبی سراغ مدیر روابط عمومی فدراسیون کره‌ی جنوبی رفتند تا از او اجازه بگیرند با شگفت زدگی او روبه‌رو شدند و اینکه: «مصاحبه با قطبی که دیگر اجازه نمی‌خواهد.» قطبی در این وضعیت به ایران آمد: در وضعی که رئیس‌جمهور ایران در یک حرکت تحسین برانگیز برای

بازگشت سرمایه‌های انسانی به خاک ایران در یک راینی، سرمربگری افشین قطبی در پرسپولیس را به حیب کاشانی پیشنهاد می‌دهد. به هر حال قطبی پس از پایان یک فصل موفق در پرسپولیس اصلاً احتیاجی به بازگشت به آن دوران ندارد. اینکه کسی بخواهد با استناد به آن دوران، قطبی را نقد کند همانقدر غیرمنطقی است که هنگام نقد ژوزه مورینیو بنویسیم او در دورانی مترجم رابسون در بارسلونا بوده. اما الان بحث بر سر چیز دیگری است. بر سر اینکه الان تمام تماشاگران پرسپولیس «کفاش خوش اخلاق» شان را «کفاش ماهری» می‌دانند. باز هم بحث گرایش اجتماعی ما به سوی خوش اخلاقها است. او با ادبیات ویژه، با احترام عجیبی که به تمام عناصر فوتبال ایران داشت و با سادگی محض به محبوبیت فوق‌تصوری رسید. قطبی با تحصیل در رشته‌ی مهندسی برق الکترونیک در دانشگاه UCLA آمریکا وقتی به ایران آمد، در لیگی مربیگری را آغاز کرد که در آن از ۱۸ تیم ۱۲ سرمربی یا تحصیلاتشان دیپلم است یا زیر دیپلم. اختلاف فرهنگ قطبی با دیگر هم‌صنفان خودش در مدت کوتاهی به چشم آمد. اما هیچ

وقت اختلاف فنی او با دیگران حتی تا روز پایانی مسابقات لیگ برتر هم دیده نشد. اگر ملاک را بر این بگذاریم که چون قطبی تیمش را قهرمان لیگ برتر کرده، باید برتری فنی او را نسبت به دیگران بپذیریم. پس باید برتری فنی عبدالصمد مرفاوی را نیز نسبت به دیگران بپذیریم چرا که تیمش تنها یک گام با قهرمانی لیگ برتر فاصله داشت. اصلاً مگر ملادن فرانچیچ با فولاد خوزستان قهرمان لیگ برتر نشده بود؟ آن هم در وضعی که ضعیف‌ترین سرمربی چند سال گذشته‌ی فولاد بود؟ با این استدلالها باید برسیم به اینکه تماشاگران پرسپولیس تصور می‌کردند صرف اینکه قطبی «جتلمن» است، قطعاً سرمربی توانایی است. همان طور که تماشاگران استقلال تصور می‌کردند چون فیروز کریمی حرفهای بانمک می‌زد، گزینه‌ی خوبی برای سرمربیگری تیمشان است و همان طور که مجید جلالی به خاطر اخلاقیات ویژه همیشه مستحق جایگاهی که داشته، به حساب آمده. اصلاً عکس این استدلال را هم می‌توان داشت. اگر قطبی این «شخصیت» را نداشت خودتان به چشم می‌دیدید که چه انتقادات تندی به سبک بازی



پرسپولیس، به اشتباهات او در کوچینگ تیمش در مسابقات لیگ و البته ضعف مدیریت او در کنترل تیم، وارد می‌شد اما الان تمام ضعفها در جشن قهرمانی پرسپولیس دفن شده. به هر حال او دیگر «قهرمان» مسابقات لیگ برتر شده و هر کاری برای نقد افشین قطبی با ترکشهای قهرمانی قطبی در لیگ برتر خنثی می‌شود. اما دست کم باید برسیم به جایی که فرقی بین «انسان خوب» و «سرمربی خوب» بگذاریم. باید برسیم به جایی که در انتخاب بین کفاش خوش اخلاق معمولی و کفاش بد اخلاق ماهر گاهی سراغ کفاش بد اخلاق هم برویم. در کلاس آموزش مدیریت پس از پیش کشیدن این تست، استادان اضافه می‌کنند «انتخاب کفاش خوش اخلاق» ویژگی اخلاقی مردمان شرقی است و در بین مردمان غرب گرایش به سوی انتخاب کفاشان بد اخلاق و ماهر است. نگاهی به «قهرمان»هایی که در کشورهای غربی طلوع می‌کنند، بیندازید. «ژوزه مورینیو» با اخلاق تندش هیچ وقت نمی‌تواند در ایران محبوب شود. فعلاً در ایران همه دوست دارند سمبل «اخلاق گرایی» روی نیمکت تیمهایشان بنشینند تا نایب‌های فوتبال.

احتمالاً با این استدلال اگر «بتهوون» و «موتزارت» هم در ایران به دنیا می‌آمدند، به خاطر اخلاقشان هیچ وقت به محبوبیت نمی‌رسیدند. در ایران تنها کسانی به محبوبیت می‌رسند که اخلاق را رعایت می‌کنند. حالا فرقی نمی‌کند شاعر باشند، نویسنده، کارگردان یا سرمربی فوتبال<sup>۱</sup>.

### ۸-۳- تأسیس بنیاد خیریه‌ی دل شیر (Lion's Heart Charity)

افشین قطبی در تابستان ۱۳۸۹ با همکاری مادرش سکینه علیشاهی، نیکی کریمی، هنگامه قاضیانی و مصطفی زمانی «بنیاد خیریه‌ی دل شیر» را در تهران تأسیس نمود. هدف از تأسیس این بنیاد، حمایت مادی و معنوی از کودکان بی‌سرپرست ایرانی بود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>- امیرپور، مهدی، نگاهی جامعه‌شناسانه به محبوبیت عجیب افشین قطبی در فوتبال ایران، روزنامه‌ی اعتماد، شماره ۱۶۸۵، ص ۱۷، تهران، ۱۳۸۷/۳/۵

<sup>۲</sup>- زمانی، مصطفی، گروه خیریه‌ی دل شیر، وبلاگ مصطفی زمانی، [www.mostafa0zamani.blogfa.com](http://www.mostafa0zamani.blogfa.com)، تهران، ۱۳۸۹/۴/۱۹

# فصل نهم

پر سولیس و نیم قرن افتخار



### ۹-۱- معرفی اجمالی پرسپولیس

باشگاه فوتبال پرسپولیس تهران یک باشگاه فوتبال ایرانی است که در سال ۱۳۴۲ در شهر تهران، پایتخت ایران بنیانگذاری شده است. این تیم زیرمجموعه باشگاه فرهنگی ورزشی پرسپولیس تهران است و پیروزی نیز نامیده می شود.

پرسپولیس هم اکنون در جام خلیج فارس بازی می کند و پس از سال ۱۳۴۷، همیشه در بالاترین دسته لیگ فوتبال ایران حضور داشته است. این باشگاه به همراه همشهری خود استقلال، پرافتخارترین و پرهوادارترین باشگاه های فوتبال در ایران هستند و شهرآورد آنان مهمترین بازی باشگاهی در ایران است.

پرسپولیس از آغاز تاریخ خود، ۹ بار در بالاترین دسته لیگ فوتبال ایران به قهرمانی رسیده (یک جام منطقه ای، ۲ جام تخت جمشید، ۴ جام آزادگان و ۲ جام خلیج فارس) و از این جهت رکورددار است. ۴ بار قهرمانی در جام

حذفی ایران و یک قهرمانی در جام برندگان آسیا از دیگر قهرمانی‌های مهم پرسپولیس هستند.

فدراسیون بین‌المللی، رتبه‌ی این باشگاه را پس از الهلال عربستان، یوکوهاما مارینوس ژاپن و استقلال در رده چهارم برترین باشگاه‌های فوتبال آسیا در قرن بیستم اعلام کرده است.

### ۹-۲- پرسپولیس در دهه‌ی ۱۳۴۰

باشگاه ورزشی پرسپولیس در دی ماه سال ۱۳۴۲ به دست علی عبده در اوین و جاده قدیم شمیرانات بنیانگذاری شد. این باشگاه در اصل در بولینگ و چند ورزش دیگر فعال بود. مالک این باشگاه «شرکت سی.آر.سی» بوده است.

در آن سو و در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۴۶، باشگاه شاهین که در دهه‌ی ۱۳۴۰ بازیکنان زیادی در تیم ملی ایران داشت و در میان مردم محبوب بود، به دستور سازمان ورزش و تفریحات ایران رسماً منحل شد. با رایزنی‌های عبده با پرویز دهداری (مربی شاهین) و مسعود برومند (سرپرست شاهین)، بیشتر

بازیکنان باشگاه شاهین به پرسپولیس پیوستند و باعث شهرت و محبوبیت آن شدند. دهداری و برومند به ترتیب مربی و سرپرست پرسپولیس شدند و باشگاه توانست در مسابقات رده‌بندی دسته‌های کشور در گروه خود اول شود و به بالاترین دسته‌ی لیگ فوتبال ایران راه یابد. آنها در مسابقات قهرمانی آسیا (مسابقاتی که میان تیم‌های ایرانی برای شرکت در جام باشگاه‌های آسیا برگزار شد) نیز قهرمان شدند و به عنوان نخستین نماینده ایران به جام باشگاه‌های آسیا رفتند.



تصویر ۲۴. پرسپولیس در دهه‌ی ۱۳۴۰

### ۹-۳- پرسپولیس در دهه‌ی ۱۳۵۰

پرسپولیس در سال ۱۳۵۰ با ۱۳ پیروزی و ۱ شکست از ۱۴ بازی جام منطقه‌ای ایران، به نخستین قهرمانی تاریخ خود رسید. دو سال بعد، جام تخت جمشید در سال ۱۳۵۲ بازگشایی شد. در پنج دوره‌ای که از این جام برگزار شد، پرسپولیس همواره از بهترین تیمها بود و به دو قهرمانی در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ و سه نایب‌قهرمانی در سالهای ۱۳۵۳، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ رسید. جام تخت جمشید ۱۳۵۷ نیز در حال انجام بود که با روی دادن انقلاب اسلامی نیمه‌کاره ماند. پرسپولیس در این جام با یک امتیاز کمتر از تیم شهباز، دوم بود.



تصویر ۲۵. بازیکنان پرسپولیس در سال ۱۳۵۰



#### ۹-۴- پرسپولیس در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰

پس از انقلاب اسلامی بسیاری از بازیکنان تیم عوض شدند اما توانستند در جام شهید اسپندی قهرمان شوند. با آغاز جنگ ایران و عراق و دهه‌ی ۱۳۶۰، لیگ فوتبال سراسری ایران تعطیل شد و پرسپولیس تنها در جام باشگاه‌های تهران شرکت می‌کرد. این باشگاه در ده دوره برگزاری این جام در دهه‌ی ۱۳۶۰، به هفت قهرمانی و دو نایب‌قهرمانی دست یافت. دهه‌ی ۱۳۷۰، برای باشگاه موفقیت‌آمیز بود و با یک قهرمانی در برندگان جام آسیا آغاز شد. پرسپولیس در ده دوره‌ی جام آزادگان شرکت کرد و به چهار قهرمانی و سه نایب‌قهرمانی دست یافت. این باشگاه در این سالها از پایه‌های اصلی تیم ملی فوتبال ایران بود تا جایی که در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه ۹ نفر از ۲۲ بازیکن ایران در آن زمان عضو این تیم بودند. پرسپولیس در این دهه به دو قهرمانی جام حذفی و سه بار سومی جام باشگاه‌های آسیا نیز دست یافت.

### ۹-۵- پرسپولیس در دهه‌ی ۱۳۸۰

با آغاز دهه‌ی ۱۳۸۰، لیگ برتر فوتبال ایران راه‌اندازی شد و پرسپولیس در نخستین دوره‌ی آن، قهرمان شد. در فصل بعد پرسپولیس از نخستین دوره‌ی لیگ قهرمانان آسیا حذف شد و در لیگ نتایج خوبی نگرفت. این سالها آغاز دورانی بود که سالنامه‌ی رسمی باشگاه آن را «دوران جدال با بحران» نامیده‌است تا جایی که پرسپولیس حتی مقام نهم لیگ را هم تجربه کرد. آخرین افتخارات پرسپولیس در دهه‌ی ۱۳۸۰، قهرمانی در لیگ هفتم (۸۷-۱۳۸۶) توسط افشین قطبی و راه‌یابی به لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۰۹ و همچنین قهرمانی در جام حذفی ۸۹-۱۳۸۸ توسط علی دایی و صعود به لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۱۱ است.

### ۹-۶- نام و نماد پرسپولیس

پرسپولیس یک واژه‌ی یونانی به معنای شهر پارسی است که از دو واژه‌ی «پرسه» به معنای پارسی و «پولیس» به معنای شهر تشکیل شده‌است. یونانیان

باستان به پارسه (تخت جمشید)، پایتخت دودمان هخامنشیان، پرسپولیس می گفتند.



تصویر ۲۶. یکی از سرستون‌های تخت جمشید در موزه‌ی ایران باستان که نماد باشگاه پرسپولیس از این ستون‌ها الگو برداری شده است

#### ۹-۷- پرسپولیس در فرهنگ عامه

پرسپولیس به عنوان یک باشگاه فوتبال، کاملاً در میان مردم ایران شناخته شده است. عادل فردوسی‌پور در مجله‌ی ورلداک (World Soccer) در این باره می‌نویسد: «نخستین پرسشی که هواداران فوتبال در ایران از یکدیگر می‌پرسند این است که قرمز هستی یا آبی؟» رسانه‌های ایران به

شدت اخبار این باشگاه را پوشش می‌دهند. افکار عمومی ایران امروز نیز همانند دیگر جوامع، تحت تاثیر این رسانه‌های ورزشی قرار دارند. جان دیوردن، نویسنده‌ی وبگاه گل، در گزارشی با نام «تردید آسیا: آیا مربیگری پرسپولیس بزرگترین و دشوارترین کار در فوتبال آسیا است؟»؛ جو رسانه‌ها را «بسیار ترسناک» و مربیگری این تیم را «شغلی پرفشار» توصیف می‌کند.

در سال ۱۳۸۸، پرسپولیس به عنوان نخستین باشگاه ایرانی ساخت سرود رسمی‌اش را با همکاری داریوش خواجه‌نوری، خواننده و گیتاریست ایرانی آغاز کرد. این ترانه «آهنگ سرخ» نام دارد و بازیکنان سابق باشگاه آن را خوانده‌اند. پیش از این نیز خوانندگانی برای پرسپولیس خوانده بودند. قاسم افشار نیز در دهه ی ۱۳۷۰، آلبومی با نام «قرمزته» منتشر کرده بود.

#### ۹-۸- هواداران پرسپولیس

پرسپولیس باشگاه پرهواداری است و بنابر اعلام وبگاه رسمی، باشگاه برای هوادارانش ارزش بسیاری قائل است. با اینکه باشگاه پرسپولیس در تهران

قرار دارد، در سراسر ایران هوادار دارد و در بازیهای خارج از خانه نیز عده‌ی زیادی برای تشویق آنها به ورزشگاه می‌روند. این باشگاه در افغانستان و امارات متحده‌ی عربی نیز هوادارانی دارد. عادل فردوسی‌پور در مجله‌ی ورلدساکر (World Soccer) می‌نویسد: «پرسپولیس با بیش از ۳۰ میلیون هوادار به عنوان محبوب‌ترین باشگاه آسیا شناخته می‌شود.» بنابر نوشته‌ی همشهری آنلاین، کنفدراسیون فوتبال آسیا در فهرستی پرسپولیس را بالاتر از الهلال عربستان و دالیان چین، پرهوادارترین باشگاه آسیا معرفی کرده بود. همچنین، این باشگاه رکورد پرتماشاگرترین بازی لیگ قهرمانان آسیا را با ۹۵۲۲۵ نفر تماشاگر در بازی با تیم بنیادکار ازبکستان در اختیار دارد.<sup>۱</sup>

## پایان

---

<sup>۱</sup> - ویکی پدیا (دانشنامه‌ی آزاد)، باشگاه فوتبال پرسپولیس تهران، [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)، ۱۳۸۹



خلاصہ ہی کتاب

(انگلیسی)





## **A man of Lion's Heart**

### **Seyed Afshin Ghotbi**

By: Seyed Shaho Ahmadi, Environmental Engineer (MSc), Young Researchers Club, School of Environment and Energy, Islamic Azad University-Science and Research Branch of Tehran, Tehran, Iran,  
Email: SeyedShaho.Ahmadi@ymail.com, www.SeyedShahoAhmadi.blogfa.com

### **Abstract**

Seyed Afshin Ghotbi is an Iranian-American football coach who was born February 8, 1964 in Tehran, Iran. His parents were teacher in Iran and when he was 7, they got divorced. His father, Seyed Mohammad Ghotbi, married again with a dentist. After that, Afshin left Iran with his parents at the age of 13 and moved to southern California, where he has been a resident for about three decades. He received his B.Sc. qualification in Electrical Engineering from UCLA where he was a member of the men's soccer team. In 1988, Afshin established a soccer school under "Afshin Ghotbi

**Soccer School (AGSS)**". Now, this school is training soccer players in US under "**American Global Soccer School (AGSS)**". Prior to coaching in the professional ranks, for years Afshin was one of the elite youth coaches in the talent-rich, highly competitive Southern California youth scene, responsible for the development of players such as Peter Vagenas and John O'Brien. Afshin trained John O'Brien in AGSS. Ghotbi worked for Korea national football team under Dutchman, **Guus Hiddink**, from December 2000 till July 2002 as a technical video analyst. He continued his journey in Korea by taking the role of an assistant coach of Samsung Bluewings from 2002 till 2004. Afshin returned to Korea National Team as a video analyst under Dutchman, **Dick Advocaat**, from October 2005 until July 2006. He was also an assistant coach for

Korea national football team under Dutch head coach, **Pim Verbeek**, from July 2006 till July 2007. In 2007 he was Head-Coach of Persepolis F.C., an Iran Pro League club. Afshin ultimately led Persepolis to Iranian Pro League championship in May 2008. His fans called him "Emperor" after this championship. Ghotbi left Persepolis in June 2008 and returned to US due to family concerns. Afshin Ghotbi was re-appointed as the new Persepolis head coach on 3 July 2008. Following the session held at Persepolis club on 18 November 2008, Ghotbi announced his resignation to the club's board and left Iran on 19 November 2008. In a letter released on Persepolis' official website, Ghotbi said: "I returned to Persepolis with great hopes but I think there is a conspiracy outside the club to prevent the team's success. I am the target of this conspiracy. I love

persepolis and its fans, however I ought to leave the team. I am heartbroken and leave Persepolis in hope of the team's prosperity. If my presence hinders the success of the team, I would rather leave." 5 months later on 22 April 2009, Afshin was appointed as the head coach of the Iran's national team. After 2011 AFC Asian Cup, Afshin joined to the Japanese team "Shimizu S-Pulse" in the J. League Division 1. Afshin's wife, Yorum Beekman, is a Dutch-Korean woman. She was born on 17 May 1981 in Seoul, South Korea . Afshin Ghotbi is a real gentleman. He is very modest and friendly. Everybody in Iran likes him. That's why I wrote his resume in Persian.<sup>1</sup>

**April 2011**

**I dedicate this book to the Persepolis' fans, worldwide**

---

<sup>1</sup>- The Persian chapters (Chapters 1-9) have been used for gathering the English information about Seyed Afshin Ghotbi. In addition to the Persian chapters, Wikipedia the free encyclopedia 2009 and 2011 have been used too.

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱- گروه ورزشی حوزه‌ی فوتبال ایران، افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، خبرگزاری فارس، تهران، ۱۳۸۸/۲/۲
- ۲- پوریا، شنیده‌ها و نشنیده‌ها (زندگینامه‌ی افشین قطبی)،  
[www.woorld.mihanblog.com](http://www.woorld.mihanblog.com)، تهران، ۱۳۸۷
- ۳- ویکی‌پدیا (دانشنامه‌ی آزاد)، افشین قطبی، [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)، ۱۳۸۹
- ۴- آقا بابایی، قاسم، زندگینامه‌ی افشین قطبی، [www.FcPersepolis.ir](http://www.FcPersepolis.ir)، تهران، ۱۳۸۷
- ۵- فوتبال ایران، متن کامل مصاحبه‌ی افشین قطبی با شبکه‌ی فارسی،  
[www.ArienSport.com](http://www.ArienSport.com)، دوی، امارات متحده‌ی عربی، ۱۳۸۷
- ۶- فرهنگ رسانه، شکایت مادر افشین قطبی از یک مجله، خبر آنلاین، تهران، ۱۳۸۹/۲/۲
- ۷- سایت خبری دانشگاه تهران، افشین قطبی در دانشگاه تهران،  
[www.news.ut.ac.ir](http://www.news.ut.ac.ir)، تهران، ۱۳۸۸/۱۰/۲

۸- خبرگزاری دانشجویان ایران، گفتگوی اختصاصی ایسنا با افشین

قطبی، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، تهران، ۱۳۸۵/۵/۲۱

۹- گروه فوتبال، زندگینامه‌ی ورزشی افشین قطبی (افشین امپراتور،

مربی پرسپولیس)، [www.avaxnet.com](http://www.avaxnet.com)، تهران، ۱۳۸۷

۱۰- گروه ورزش، ایران و کره‌ی جنوبی به دنبال نهمین پیروزی در

سنول، جهان امروز، [www.jahannews.com](http://www.jahannews.com)، تهران، ۱۳۸۹/۶/۱۵

۱۱- کاربرفعال بخش ورزش، جای همه‌ی ما در پرسپولیس اجاره‌ای

است، [www.forum.niksalehi.com](http://www.forum.niksalehi.com)، تهران، ۱۳۸۷

۱۲- رادمش، مازیار، آن روز نمی‌دانستم گریه کنم یا هورا بکشم؟، بدون

عنوان، [www.bedoneonvan.blogfa.com](http://www.bedoneonvan.blogfa.com)، تهران، ۱۳۸۶

۱۳- گروه ورزش، افشین قطبی برنامه‌ی ۴ ساله می‌دهد، خبرگزاری

موج، [www.mojnews.com](http://www.mojnews.com)، تهران، ۱۳۸۸/۳/۳۱

۱۴- روزنامه‌ی تهران امروز، کره‌ی شمالی به روایت همسر افشین قطبی،

سایت خبری تحلیلی وطن، [www.watan.ir](http://www.watan.ir)، تهران، ۱۳۸۹/۳/۲۹

۱۵- دنیای فوتبال، مصاحبه با همسر افشین قطبی، [www.forum.bhtar.in.com](http://www.forum.bhtar.in.com)

تهران، ۱۳۸۷/۲/۲۵

۱۶- امیرپور، مهدی، نگاهی جامعه‌شناسانه به محبوبیت عجیب افشین قطبی در

فوتبال ایران، روزنامه‌ی اعتماد، شماره ۱۶۸۵، ص ۱۷، تهران، ۱۳۸۷/۳/۵

۱۷- ویکی پدیا (دانشنامه‌ی آزاد)، باشگاه فوتبال پرسپولیس تهران،

[www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)، ۱۳۸۹

۱۸- وب‌سایت رسمی افشین قطبی، بیوگرافی، [www.afshinghotbi.com](http://www.afshinghotbi.com)، ۱۳۸۹/۱۱/۸

۱۹- خبرگزاری مهر، جزئیات قرارداد افشین قطبی با باشگاه شیمیزو اس

پالس ژاپن، [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)، تهران، ۱۳۸۹/۹/۱۸

۲۰- زمانی، مصطفی، گروه خیریه‌ی دل شیر، وبلاگ مصطفی زمانی،

[www.mostafa0zamani.blogfa.com](http://www.mostafa0zamani.blogfa.com)، تهران، ۱۳۸۹/۴/۱۹

21- Wikipedia, Afshin Ghotbi, The free encyclopedia, 2009

# **A man of Lion's Heart**

**Seyed Afshin Ghotbi**

**By:**

**Seyed Shaho Ahmadi**

*Member of Young Researchers Club, Science  
and Research Branch of Tehran, Iran*

**Former Reporter of ISNA**

**April 2011**